

شماره مسلسل ۲۵ و ۲۶ جدی ۱۳۷۰ دسامبر ۱۹۹۱

شعر،

"خنجری برحنجره دژخیمان" یا سجده "بپای سپید و مرمرین عشق"؟

آقای سیاف، باداران عربت سزاوار اجرای حدود شرعی اند نه ملت ما

اسرائیلی جاسوسان دګلبدین ګوند ته روزنه ورکوی

درس حمله به ظاهرشاه



گزارشی از مکتب دختران "جمعیت انقلابی زنان افغانستان"

نگذاریم
"ملالی روغتون" بسته شود!

" ملالی روغتون" درشهر کویته پاکستان که‌بهمت کار داوطلبانه اعضای "راوا" و کمك یکی از مؤسسات خیریه به تداوی زنان دردکشیده و کودکان معصوم آواره ما میپردازد اینك بخاطر قطع کمکهای مؤسسه مذکور با خطر تعطیل روبروست ۰

بدینوسیله از همه دوستان ، سازمانها و مؤسسات خیریه میخواهیم بخاطر حیات و صحت ۳۰۰ مریضیکه این شفاخانه روزانه به آنان رسیدگی میکند و زنان و طفلان بینوای ما بیهراس از توهین ، تحقیر و قید و بند های "تنظیمی" به آن روی می آورند، با کمکهای نقدی و ارسال سامان آلات طبی و بخصوص ادویه نگذارند "ملالی روغتون" از خدمت باز ماند۰

دوستداران "راوا" در خارج میتوانند با جمعآوری ادویه و ارسال آنها مستقیماً به آدرس شفاخانه سهم مهمی ادا کنند۰



آدرس شفاخانه :

MALALAI HOSPITAL
FATIMA JENNAH RD.
QUETTA,
PAKISTAN

آدرس بانکی:

Mrs. Hafez
A/c No. 9631-1
Habib Bank Ltd.
Frere Street Branch
Saddar-Karaqhi
Pakistan

یا مرگ یا دموکراسی!

اینک سال ۱۹۹۱ به پایان میرسد و طبق توافق مسکو و واشنگتن رژیم پوشالی و احزاب پشاوری و ایرانی دیگر از ولی نعمت های شان چیزی دریافت نخواهند کرد. ولی چنانچه در اعلامیه ۳۰ سپتامبر خود نیز اشاره نموده ایم باآنکه اعلام قطع ارسال اسلحه به دو طرف فوق و ملاقاتهای اخیر بین نمایندگان مسکو ، احزاب هفتگانه و احزاب طرفدار ایران ، با سرو صدا های کر کننده ای تبلیغ میشود ، بنظر نمیرسد که مصایب بر مردم ما به این زودیها خاتمه یافته و عاجلترین خواست آنان محقق گردد. این خواست عبارتست از مجازات دار و دسته نجیب و برقراری صلح اما نه بهیچوجه صلحی که بر حاکمیت دولتی بنیادگرا یا متمایل به بنیادگرایان بیانجامد.

هرچند مدتهاست بنیادگرایان و رژیم پوشالی هر کدام به شیوه خود ، بر مفهوم دموکراسی کثافت و مرداری پاشیده و بنیادگرایان آنرا ارزش کفر آلود ، ضد دین اسلام وازین قبیل وانمود میسازند امامردم مامردمیکه از زیر آتش و خون و بربادی ای عظیم بر میخیزند اگر جسم و جان شان را افغانستانی رها از وطنفروشان و استبداد سیاه زیر نام دین ، احساس نکنند ، آنوقت مجدداً دست به تفنگ خواهند برد تا رهزنان فرومایه‌ی خون و عرقشان را از کشور برانند.

احتمال ادامه و حتی تشدید جنگ داخلی امری خواستنی نیست ولی وقتی از یك در خرس میرود و از در دیگر گرگهای درنده وارد میشوند چه میتوان کرد؟

هکذا افول ستاره امپریالیزم شوروی اگرچه در اوایل موجب تقویت روحی ملت ما و ماتم و سراسیمگی شدیدتر دولت دست نشانده بود اما اکنون طوری پیشرفت مینماید که نمیتواند مایه نگرانی نیرو های ضد بنیادگرایی نباشد : بوریس یلتسین بعنوان چوچه تزار نوین با تکیه روی عناصر عمیقاً ارتجاعی تر و وابسته تر از گرباچف و گروهش ، میخواهد بهر طریقی است یکنوع سرکردگیش را بر جمهوری های دیگر و بخصوص چند جمهوری مسلمان با حمایت از کسانی چون خودش حفظ کند . برخی از به اصطلاح رهبران تاجکستان و ازبکستان ذلت و لئامت را تا بجایی رساندند که نه تنها از گلبدین و حزبش دفاع کردند بلکه خواستار کمك از او شدند .

یلتسین خود اولین کسی بود که چند بار گلبدین را به روسیه دعوت کرد. از قراین پیداست که این دعوت ها نه صرفا بخاطر حل مسئله اسرای روسی بلکه جزئی از اقدامات یلتسین جهت معامله گری با تروریست ترین و فاشیست ترین بخش بنیادگرایان

بقیه در صفحه ۴۲

اسرائیلی جاسوسان دگلبدین گوند ته روزنه ورکوی

دی لاندی مطلب د نړۍ په ټولو مطبوعاتو کی انعکاس موندلی او مونږ دپاکستانی فرنټیر پسټ د ورځپاڼی نه ددی خلص شوی ترجمه تاسی ته وړاندی کوو۰

۰۰۰ اسرائیل د څلورو کالو په موده کی د پاکستان له لیاری او ددی هیواد "د فوځی اطلاعاتی سازمان" په مرسته دایران اسلامی جمهوری ته وسله رسولی ۰

پاکستانی ورځپانی " فرایډی ټایمز" دتیری جمعی په خپله گڼه کی په ډاګه کړی وه چی د"موساد" (د اسرائیلو اطلاعاتی سازمان) مامورین او کار پیژندونکو په پیښور کی د امریکی جنگی وسایلو د لیږلو مسئولیت اسلامی جمهوری ته درلود ، چی دغه عملیات د پاکستان جمهور رئیس ضیأالحق (چی په یوه هوایی پیښه کی په هغه هیواد کی د امریکی سفیر سره یوځای ووژل شو) او ویلیام کیسی د سی آی ای (دامریکی اطلاعاتی سازمان) پخوانی رئیس په مرسته رهبری کیده ۰د فرایډی ټایمز د اونیزه خپرونی په هغه جنجالی مقاله کی چی د امریکایی خبریال "لاورنس لف شولتز" له خوا لیکل شوی ، ویل شوی چی پدی عملیاتو کی د اسرائیلو له خوا اساسی نقش "اری بن مناشه" درلود چی د "موساد" د پیاوړی مامورانو څخه دی ۰"بن مناشه"هغه څوک دی چی د"سامسون اپشن" په کتاب کی اسلامی جمهوری ته د وسلو دلیږلو او خرڅولودمنځگړی په نوم یاد شوی دی ۰

د " سامسون اپشن " کتاب زیاتی برخی د " اری بن مناشه " د خاطراتو او رسواییو په بنا لیکل شوی دی ۰"بن مناشه" لس کاله د اسرائیلو د دفاعی فوځ په بهرنی څانگی کی فعالیت درلود او فرایډی ټایمز لیکی چی دی د شپږ کسیزی ډلی له جملی څخه یو پیاوړی غړی دی چی د امریکایی او اسرائیلی فوځی وسایلو لیږل او پلورلو مسئولیت یی اسلامی جمهوری ته درلود ۰

ددی کتاب او نورو مطبوعاتی خپرونو د ادعاگانو په باره کی اسلامی جمهوری تر اوسه پوری حیرانوونکی چپتیا غوره کړی او داسی ویل کیږی چی دولت او پخپله هاشمی رفسنجانی ټولو ډلهایزو اطلاعاتو ته په کلکه دستور ورکړی چی ددی رسواییو په باره کی چی اسلامی جمهوری ته په کراتو د"ایران گیټ " او" اکتبر سر پرایز" د مشهورو پیښو نه زیات تاوان رسوی ، هیڅ یو مطلب خپور نکړی ۰

" فرایډی ټایمز" د اسرائیلی جاسوس له خولی لیکی چی دی څنگه د پیښور د پارک له هوټل نه اسلامی جمهوری ته دامریکایی وسلو لیږل یی د ۱۹۸۳ تر ۱۹۸۶ کالو پوری رهبری کوله ۰

پاتی په ۶۶ مخ

گزارشی از مکتب دختران "جمعیت انقلابی زنان افغانستان"

افغانستان عزیز ما در طول سیزده سال جنگ در تمام زمینه ها ضربات سخت و جبران ناپذیری بخود دیده. ویرانی، کشتار، به زندان افکندنها و از همه دشوارتر بی وطنی یك سوم نفوس کشور.

هموطنان آواره ما در ایران و پاکستان علاوه از مشکلات گرسنگی ، برهنگی و بی خانمانی در زمینه آموزش هم در وضعیت اسفباری قرار دارند.

رژیم پوشالی کابل اگر با مسخ کردن آموزش وپرورش و با حاکم ساختن جو اختناق و ترور در کشور تمام استادان ، معلمین و شاگردان را یا کشتند و یا فراری ساختند، بنیادگرایان فاشیست که نابودی خود را در آگاهی دیگران می بینند خائنانه یك نسل از فرزندان ملت را از بهره سواد و آموزش در تمام عرصه هایش محروم کرده اند.

"جمعیت انقلابی زنان افغانستان"با درك رسالت خود درین مرحله از وضع آزاردهنده کشور با اینکه از طرف دشمنان خادی و گلبدینی مورد تهدید قرار دارد و از کمك های بین المللی بی بهره است با آنهم مجدانه کوشیده تا به هموطنان رنجدیده ما خدماتی انجام دهد. به همین منظور در شهر کویته پاکستان علاوه از خدمات صحی و سایر فعالیت ها پروگرامهای تعلیمی را نیز روی دست گرفته ـ ازآنجمله مکاتب پسران وطن (با بیش از ۴۰۰ نفر شاگرد) و دختران وطن (با بیش از ۱۷۰ نفر شاگرد) است که اینك در زیر مختصر گزارشی از مکتب دختران برایتان تقدیم میگردد:

این مکتب بصورت لیلیه بوده و حدود ۱۲ نفر گرداننده دارد. شاگردان همه ساعت ۶ صبح از خواب بیدار میشوند.بعد از شستن دست و روی برای نیم ساعت ورزش میکنند و پس از صرف چای یونیفورم های خود را پوشیده در صف های منظم می ایستند. پس از گرفتن حاضری و ملاحظه وضع لباس و نظافت آنان توسط مدیر، سرود "به پیش میرویم ای وطن جان ما فدای تو" رابصورت دستجمعی میخوانند . درصورت لزوم سخنرانی مختصر از طرف موظفین اداری وتعلیمی صورت میگیرد. ساعت ۸:۳۰ همه در صنوف خود حاضر میشوند . شاگردان ساعت ده صبح برای ۲۰ دقیقه تفریح دارند بعد دوباره درسهای شان آغاز وساعت ۱۲:۳۰ دروس شان تعطیل میشود. شاگردان از ساعت ۱ ـ ۲ ظهر غذا میخورند و تا ساعت ۳ استراحت دارند . از ساعت ۳ ـ ۶ همه به کار های خود از قبیل اجرای وظیفه خانگی، مطالعه، رسم و مشاقی

بقیه درصفحه ۴۵

شعر،

"خنجری برحنجره دژخیمان"* یا سجده "بپای سپید و مرمرین عشق"**؟

ــ یادداشتی بر مجموعه "میلاد" از زهرا طاهری که خود شاعر لطف کرده و آنرا بخاطر اظهار نظر برای ما فرستاده است.

زهرا جان ، حالا که خواسته‌ای ابراز نظری بر شعر هایت ازسوی "پیام زن" نیز انجام گیرد پس انتظار نداشته باش که دیدگان باز خودت یا چشمهای پاك خوانندگان آزادیخواه آن با جمله پردازیهای " حجمی" ، " چیغ بنفشی" و روشنفکر نمایی های مهوع دیگر آزار بیند .

حرف ما لاجرم آکنده از خوی و بوی مردم فقیریست که بساخت تراز ملت تو از ستم های گوناگون سوخته و امروز مخصوصا سایه کرگسان بنیادگرا بالای سر شان در طواف است که پلشتی و سیاهی آنها اگر متعفن تر و تیره تر از رژیم کشور تو نباشد هرگز کمتر نتواند بود.

حرف ما از خطه‌ایست که درعرض ۱۲ سال اخیر دون ترین دلقکان دست ــ نشانده‌ی تاریخ برآن فرمان رانده و اکنون گرگ صفتهایی وحشی در پوست دین با هزاران وابستگی خاینانه به بیگانگان و بسرکردگی مردکی منحرف، بیمار از عقده حقارت (دوسال رشته انجنیری را ندیده چپ و راست خود را انجنیر گلبدین حکمتیار میخوانند) و قاتل صدها روشنفکر آرمان دارما ، ضمن دریدن گلوی یکدیگر ، میخواهند برتن رنجور ، خسته و خونینش پنجال پلید شانراتا سرآمدن آخرین رمقش فرو برند.

حرف ما خروش و بیان اراده کسانیست که ریخته شدن خون مینا و چندین همرزمش را بدست عوامل خاد و

←

---

* ــ شعر از دید شاملو در "سرود مردی که خودش را کشته است".

** ــ شعر از دید ف . ف در "دریچه نور" ، مجله "نو بهار" .

آدمکشان آن مردك ، شاهد بوده اند و حال بار دیگر مبهوتانه ناظر اند که چگونه هردو (خاد و حزب اسلامی گلبدین) با حمایت آشکار پاکستان درتلاش اند تا قاتلان معترفش را از زندان رهاسازند و تقریبا همگی گروههای ظاهرا مخالف بنیادگرایی، بیشرمانه، متوحش و لرزان مهر سکوتی سخیف بر لب زده اند • اما سوی دیگر این ضربت و مرارت استخوان سوز، به آگاهی رسیدن و برپا بودن ماست برای کار و انتقام•

آری دوست عزیز، چون ازسرزمینی تفتیده از باروت و خون بامردمی زیر تهدید ساطور دژخیمان مزدور و بنیادگراهستیم ، بناءً اگر پامال کردن وجدان و شعور و شرف در کار نباشد ، هیچگاه نمیتوانیم و نباید بی خیال از آنچه بر میهن ما جاریست درباره هنر و ادبیات سخن بگوئیم هرچند خیلی فشرده و در صفحات محدود این نشریه•

دشمن کودن رسالت و نقش هنر و ادبیات است و میگذشتیم • اما پس از تجاوز دیگر صحبت از شعر ملتزم و غیر ملتزم وامثالهم در میان نبوده است • درین مدت سنگ محکی که بر تمام مدعیان ادبیات و هنر خورده این بوده که شاعر ، نویسنده ، هنرمند ، به اصطلاح اهل فرهنگ و بطور کلی روشنفکر در کدام طرف ایستاده است ،طرف مردم یا طرف رژیم و احزاب بنیادگرا ؟

آنکه طرف اول را گزیده به تناسب کار و فعالیتش هنرمند شرافتمند تلقی شده و آنکه در بغل رژیم یا احزاب بنیادگرا به پستی آرمیده، هنرمندی وطنفروش ، خاین یا خود فروخته لقب یافته است • و برخورد با او همانست که با دو دشمن درجه یك •

در دسته دوم با توجه به شهرت و قدر شان در گذشته قبل از همه باید از واصف باختری و رازق رویین اسم

کدام شعر "میلاد" در اعتراضی ولو رقیق علیه جنایات هولناك روزانه دولت سروده شده است؟

کدام تجربه های فردی ، هنرمندانه تعمیم یافته و بصورت تجربه عمومی درآمده که سرانجام فریادگر "درد های مشترك خلق" ایران باشد؟

درسالهای پیش از تجاوز روسهابه افغانستان ، در بحث تعهد در شعر و شاعری اگر میشنیدیم که فلانی مسئله تعهد اجتماعی در شعر را نفی کرده یا به استهزاء گرفته، میگفتیم او

برد• ایندو پس از کودتای ۷ ثور به بینش و فعالیت ضد سوسیال امپریالیستی، ضد ارتجاع و ضد بنیادگرایی خود بکلی پشت کرده تنگ نوکری بدون قید و شرط

بقیه در صفحه ۴۹

سرزمین مستقل برای فلسطینیان

حنان اشراوی سخنگوی هیات فلسطین در کنفرانس صلح شرق میانه در مصاحبه اخیرش با CNN گفته است که فلسطینیان از خواست شان مبنی بر حق خود ارادیت عدول نخواهند کرد زیرا تنها سرزمینی مستقل راه حلی عادلانه و دوامداری برای این بحران غم انگیز و طولانی مدت خواهد بود ٠



حنان اشراوی و سری نصیب در حرکت بسوی اردن و سپس واشنگتن محل دومین دور مذاکرات صلح شرق میانه ٠



عده‌ای از افراد مربوط سازمانهای چپ اسرائیلی در اعتراض علیه اسکان یهودیان در مناطق اشغالی



پلیس اسرائیلی درحال دستگیری دختری از تظاهرکنندگان ۷ دسامبردربیت المقدس (یورشلیم)

زنده باد مبارزه مردم فلسطین بخاطر آزادی و حقوق شان!

شرم او ننگ یی د ...

په ویشلو بی لاس پوری کړو، ددوی په منځ کی د وسلو ویشلو په سر بی اتفاقی پیدا شوه، په یو اوبل بی ډزی وکړی چی په نتیجه کی اوه تنه مړه او څلور تنه ټپیان شول.

کله چی ما دا ټوله کیسه واوریده نو دوجود ویښتان می زیږه شول او په رښتیا سره می بدترین درد احساس وکړو چی نشم کولای هغه دلته بیان کړم. کله چی می دناروغ علاج کولو، او دوجود نه یی می مردکی راباسه نو د لمړی ځل لپاره ډیر

سخت خفه شوم.

دا څیزونه هیڅ چاته د منلو وړندی. دبشر دوستانه احساساتو په بنسټ څه چی نه دپښتونولی په دود او دستور او نه د اسلام په اصولو منل کیدای نشی.

ما دا لیك ولیکه ترڅو دمجاهدینو د مشرانو توجه چی د پیښور ښار په معتبرو ځایونو کی ژوند کوی دی ته راواړوم ترڅو خپلو قوماندانانو ته لازمه توصیه وکړی چی داسی پیښی بیا تکرار نشی.

داکټر امجد آغا دهنگونه. ☆

دکنړونو وروستني حالات

کنړونه د آزاد شویو ولایتونو نه یو ولایت دی چې زمونږ د هیواد په شمالختیځ کې موقعیت لري . دمقاومت دجګړې په اوږدو کې د قومي او قبیلوي روابطو دحاکمیت له وجهې د مقاومت د ځواکونو په منځ کې په دې ولایت کې کم اختلافونه لیدل کیده. د سلفیه یا وهابیانو تنظیم د"جمعیت الدعوت الی القران والسنت" په نوم چې دعربو په بې سیمه مرستي او د مولوي حسین (جمیل الرحمن) په مشرې جوړشوی و د دولت د ځواکونو په شاته تللو سره دکنړ په سطح کې زورور او زیاتې سیمې بې ورپه برخه شوې . په اول کې وهابیانو دګلبدین د ګوند سره یوځای دعبوری دولت پرضد کار کاوه او څنګه چې دهغوی جبهې زیاتره قومي خلکو جوړې کړي وې نو حزب اسلامي وکولای شو چې دا جبهې دنورو تنظیمونو پرضد وپاروی . ولې ډیر ژر په ټول کنړ باندی دوهابیانو حاکمیت او اسلامي امارت راوستلو سره دغه روابط له منځه لاړل . حزب اسلامي چې د ډیری مودې راهیسې د کنړ دخاص موقعیت په خاطر خپل ځان ټینګ کړی او نسبتاً زورور شوی وو دوهابیانو په مقابل کې ودرید ولې ډیر ژر د چغه سرای ، ناوه پاس ، سرکانو او ... نه وتښتید . وهابیان د اسمارنه تر خیوی پورې په کنړ برلاسه شو. او په دې اخ او ډب کې زیاته وسله او مهمات بې د حزب اسلامي نه لاس ته راوړی. وهابیانو دکنړ د ډیرو سیمو د نیولونه وروسته په ټینګ کنترول او بې پروایي لاس ووهل.آن تردې چې د لارویو د نصوارو، ډیرو او لمانځه په کنټرول او د نورو تنظیمونو په ټکولو بې لاس پورې کړ .

حزبیان خپل ټول فوځې قوتونه او مرکزیت شګل ته چه دهغوی جبهه هلته پرته ده انتقال کړل . دوی کوښښ وکړ چې د ټکول شوو تنظیمونو او دهغوی د قوماندانانو سره یوځای شي او ځوابي حمله د شیګل نه پیل کړي او له بل پلوه د خپلو ځواکونو په چمتو کولو سره په لغمان او جلال آباد کې بوخت شو. په هغه اخ او ډب کې چې دملك میران (د جمعیت اسلامي یوتن قوماندان په ګنجګل کې) او وهابیانو په منځ کې وشو دملك میران پنځه تنه ووژل شول . حزب دموقعیت نه استفاده وکړه او ژرترژره بې دملك میران سره خبرې وکړې او لاندې موارد بې د وهابیانو دحملې په ځواب کې تصویب کړه.

۱ ــ ټوله درنده وسله او مهمات باید د حزب اسلامي وی .

۲ ــ د جګړې مشری باید دکشمیرخان په لاس وی .

۳ ــ کومې سیمې چې آزادې شوی په هغه کسانو پورې اړه لري چې د وهابیانو د حملې نه مخکې بې په لاس وی .

پاتې په ۴۳ مخ

آزادی ملی و آزادی اجتماعی از

حمله به ظاهرشاه نتیجه سازشکاری ومدارا با بنیادگرایان است

بتاریخ ۴ نوامبر ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان طی حمله‌ای تروریستی در منزلش در حومه شهر روم به ضرب چاقو زخمی گردید ۰ پولیس ایتالیا با وصف دستگیری ضارب، جزئیات و انگیزه این حمله را افشا نکرده است ۰ اما مردم ما خوب میدانند که درین عمل تروریستی باند های جنایتکار بنیادگرایی دست دارند و ما این را نتیجه سازش و جبن طرفداران ظاهر شاه و میانه روان در برابر بنیادگرایان آدمکش میدانیم ۰

مخالفان بنیادگرایی گلبدینی به این تصور کودکانه و اشتباه آمیز بودند که با مدارا و سازش و نیز سکوت خفتبار مقابل جنایات این باند علیه سایر نیرو ها و عناصر آزادیخواه ، شاید بتوانند خود را از خطر ترور "جهادی" برهانند۰

ولی اینك سو قصدبه ظاهرشاه بار دیگر به تمام نیروهای طرفدار دموکراسی و نیروهای ضد بنیادگرایی و بمردم ما هیچ درس دیگری نمیدهد جز اینکه هر قدر در برابر حزب تروریست گلبدین و نظایرش گذشت شود آنها هارتر شده و سختتر و خونین تر شاخ میزنند ۰ آیا میانه روان و هواخواهان ظاهرشاه به این حقیقت دست یافته اند ؟ یا اینکه هر کدام تنها پس از تجربه کردن گلوله و نوك دشنه‌ی بنیادگرایی بر تن خود ، در خواهند یافت که دیپلماسی و سیاست بازی با پلنگ تیز دندان فرجام خوشی نخواهد داشت ؟

ما ضمن محکوم نمودن حمله خائنانه به ظاهرشاه مکررا اعلام مینمائیم که پیکان خیانت و جنایت بنیادگرایان وحشی ضد زن فقط متوجه جمعیت ما و دیگر سازمان های معتقد به ارزشهای دموکراسی نیست۰ آنان هیچ زنده جان مخالف سیاست و طرز فکر فاشیستی شانرا تحمل نمیتوانند بناً بر کلیه نیرو ها و افراد آزادیخواه است که تا دیر نشده چشم باز کرده به هر شکل و هر اندازه که میتوانند بر سر این تروریست های نحس بکوبند تا مردم ما برای ابد از شر و نکبت شان نجات یابند۰ ☆

در شماره آینده مطلبی خواهیم داشت در رابطه با اراجیفیکه فاطمه‌یاسر گلبدینی یکبار دیگر علیه "راوا" بکاربرده‌است

معبر مبارزه با بنیادگرایی میگذرد

دگلبدین گوند ځنګه د خپلو فاسدو غړو نه حمایت کوی

دشرقی نورستان دمنډګل دکلی دمولوی عبدالجلال زوی چی اسرائیل نومیږی او اوس د چترال د هوځیك په کلی کی اوسیږی ، دګلبدین دحزب نماینده عبدالصبور "توحیدی" سره ډریور دی .

اسرائیل دعقرب په ورستیو ورځو کی پیښور ته ځی او دهغه ښځه فهیمه په کور کی یواځی پاتی کیږی. قاضی اعظم چی دګلبدین دګوند پخوانی غړی او د "توحیدی" سانډو (باجه) دی دفهیمی په کور چی یواځی ده ننوځی او دتجاوز په قصد پر هغی حمله کوی خو فهیمه له ډیرو چنګاویو او لاس اچونی نه وروسته ددی جنایتکار او پست فطرته ګلبدینی نه ځان خلاصوی . کله چی اسرائیل کورته راځی او ددی جریان نه خبریږی دواړه په ګډه تصمیم نیسی چی دغه بی شرف انسان له منځه یوسی نو دفهیمی په واسطه په یوه پلمه قاضی اعظم ته بلنه ورکوی چی دهغوی کورته راشی . قاضی اعظم دا بلنه په ډیره خوشحالی سره منی. فهیمه دخپل میړه په ملګرتیا په هغه په چاړه حمله کوی خو قاضی اعظم د چاړی له لاندی نه تښتی او کامدیش ته ځان رسوی . دګلبدین دحزب نماینده "توحیدی" هم د زور او تهدید نه کاراخلی او ډیری هلی ځلی کوی تر څو دا قضیه پټه پاتی شی خو دا خبره کوځی او بازار ته وځی او دشرقی نورستان خلك اونور افغانی مهاجرین ددی جنایتکارانه عمل په مقابل کی خپله کلکه کرکه ښکاروی.

قاضی اعظم دنورو ګلبدینیانو په ملاتړ اسرائیل او دهغه کورنی په دی تهدیدوی چی ددی واقعی په رابطه چپتیا غوره کړی او که نه دهغه ټوله کورنی به له منځه یوسی . او دمنډګل دکلی خلکو ته هم دا ګواښ کوی چی د کامدیش لاره به په هغوی بنده وساتی.

دیادونی وړ خبره داده چی قاضی اعظم یوپخوانی اخوانی او دګلبدین دګوند د "تحریکیانو" د جملی څخه دی چی د ابو-حنیفی مکتب نه فارغ او دشرعیاتو پوهنځی بی ویلی او دهمدی سوابقو په درلودلو سره ورته د زید بن لیث دلیسی مدیریت ورپه برخه شوی وو.

نو کورو چی ګلبدینیان ځنګه دخپلو هم باند و جنایتکارانو نه حمایت کوی او د دی ملاتړ نتیجه دا ده چه د دوی د قوماندانانو تروریستی او وحشیانه عمل ورځ په ورځ مخ په زیاتیدو دی.



الکساندر روستکوی، بیشرم یا زورگو؟



الکساندر روستکوی در سالهای ۱۹۸۰ بعنوان یکی از قوماندانان قوای اشغالگر روسی وظیفه قلع و قمع هموطنان و انهدام سرزمین ما را بعهده داشت ۰ ولی پس از اضمحلال اتحاد شوروی ، در سمت معاون بوریس یلتسین برای مذاکره با سران احزاب وطنی به پاکستان آمده است ۰

آقای روستکوی فورم و نشانهای متعدد "قهرمانی" در جنگ افغانستان را دریافت داشته است ۰

حال معلوم نیست ، یلتسین با چه نوع "حسن نظر" او را مسئول دیدار با به اصطلاح "رهبران مجاهدین" نموده ، خود آقای روستکوی چقدر باید وقیح باشد که با جرات تمام با افغانها روبرو میشود<*> ، و "رهبران جهادی" چقدر باید پرنسیب فروش باشند که خواستار فرستادن نماینده دیگری نشوند که لااقل یکچنان مدالهای خونین را بر سینه حمل نکند؟



<*> البته روی صحبت ما طرف "جهادی" ترین امیر نیست که وقتی از خیانت هم حجله شدن با شهنواز تنی این سگ قلاده بگردن روستکوی هادریغ نورزد ، سازش و معامله با خود روستکوی ، برایش بالاترین افتخار است۰

پیام زن زبان اکثریت زنان محروم میهن ماست ۰

پیام زن صدای رزم تمام زنان و مردان ما در راه استقلال ، دموکراسی و عدالت اجتماعی است ۰

پیام زن را بخوانید و آنرا به اقارب و دوستان تان و هموطنان ما برسانید ۰

"الحاق کشمیر به پاکستان، توهین به خون شهیدان ماست"

یکتن از کارکنان "پیام زن" گفتگویی داشت با شهناز نازش مسئول شاخه زنان "جبهه آزادیبخش جمو کشمیر" • ضمن تشکر ازین خواهر مبارز خود بخاطر مصاحبه اش، قسمتهایی از سخنانش رادرینجا میاوریم•

نخست از همه شهناز "نازش" در مورد قیام کشمیر و ماهیت آن چنین گفت : "جنبشی که در کشمیر براه افتاده جنبشی است آزادیخواهانه، زیرا این منطقه از مدتها قبل تحت سلطه استعمارگران بوده و خواست آزادی همیشه همچون خون در رگان این ملت جریان داشته است باینصورت بعد از تقسیم نیم قاره هند اهالی کشمیر نیز بخاطرحصول آزادی به مبارزه سیاسی مسلحانه توسل جستند• صفحات تاریخ این مبارزات از خون مبارزین کشمیری رنگین گردیده است • همینگونه قیام فعلی کشمیر در حقیقت ادامه مبارزات گذشته میباشد •

این بر همگان روشن است که هیچ ملتی برای الحاق یا اهدافی مانند آن خون نمیریزد و قربانی سر و مال فقط و فقط بخاطر بدست آوردن خود ارادیت میباشد• مبارزات ملی ماهم بر اساس همین اصول است که وطن ما آزاد و خود مختار بوده و مردمش دولتی مطابق آرمانهای خود شانرا داشته باشند، هدف از مبارزات ما صرفاً آزادی و آزادی کامل است،



آزادی ایکه ملت ما تحت هیچگونه قید و شرطی قرار نداشته باشد و کشور مادر جهان منحیث یک خطه مستقل بسر برد• بنابرین ما در راه آزادی خویش تسلط هیچ دولتی را به هیچ قیمتی تحمل نمیتوانیم • خون چیز کم بهایی نیست که برای مقاصد معمولی جاری شود بلکه

بقیه در صفحه ۶۴

شرم او ننګ ئی د "امیر" صاحب په مخ دی!

دا لاندی د یو پاکستانی داکټر دلیك ترجمه ده چه د فرنټیر پسټ دورځپانی د ډسمبر څلورمه د کال ۱۹۹۱ په ګڼه کی خپور شوی وو. ددی حوادثو په شان دروسی ضد جګړی د پیل او دهغی نه وروسته تر اوسه پوری ډیر منځ ته راغلی او هغه څه چه پاکستانی ډاکتر وایی فقط یو موټی د خروار نمونه ده . د داسی "جهادی کارنامو" ننګ په لوړی درجه دهغه "امیر" صاحب په مخ راځی چه دا په اصطلاح "قوماندان" د هغه د فتوا او سبق په اساس پداسی وحشی ګریو او نامردیو لاس پوری کوی .

څو ورځی مخکی زما کلنیك ته یو افغانی مهاجر چی دټوپك د مردکی په واسطه په کین ورون ټپی شوی وو راغی . کله چی ما دهغه پټه پانسمانوله او اضافی غوښی می د زخم ځای نه لری کولی ترڅو د هغه د ورون نه مردکی راوباسم، هغه ماته دهغه پیښی چیرته چی دی په کښی ټپی شویوو داسی کیسه وکړه.

ناروغ داسی وویل : دوه اونی مخکی زه د مجاهدینو د ۱۵ کسیزه ګروپ سره یوځای دننه افغانستان ته روان وم. ماښام نږدی ووچی د جلال آباد ښار ته نږدی یو وړوکی کلی ته ورسیدو. هغوی ټولو تصمیم ونیولو چی دلمانځه ادا کولو لپاره د هغه کلی جومات ته ولاړ شی . دی ګروپ د کابل د رژیم لس تنه عسکران ولیده چی هماغه جومات ته ورننوتل . مجاهدین ودریدل او عسکران یی تر ځارنی لاندی ونیول . د مجاهدینو قوماندان امر وکړو چی جومات کی دننه عسکرو باندی حمله وکړی . دمجاهدینو یو شمیر کسانو ددی تصمیم سره مخالفت وکړ او قوماندان نه بی وغوښتل چی څو شیبی صبر وکړی تر څو عسکران له جومات نه راووځی . مګر نوموړی قوماندان وویل : په اسلام کی ته کولای شی خپل دښمن په هرځای کی چی وی له منځه یوسی ، ته کولای شی هغه هرچیرته ونیسی پرته د کعبه شریف دحریم نه.

زما ناروغ په ډیر خفګان سره وویل : په ټولو هغه عسکرو چی دماښام دلمانځه ادا کولو په خاطر په یوه لیکه ولاړ وو او خپلی وسلی یی د جومات په یوه کوښه کی ایښی وی ، مجاهدینوورباندی حمله وکړه. هغه وویل چی پدی اخ او ډب کی دری تنه غیر نظامی کسان هم مړه شول . وروسته مجاهدینو د هغوی وسلی او مهمات دغنیمت شوی مال په نوم واخستل او لاړل . کله چی همدا ګروپ د افغانستان او پاکستان پولی ته ورسیده ، د کلاشینکوفونو او مهماتو

پاتی په ۹ مخ

آقای سیاف،
باداران عربت سزاوار اجرای "حدود شرعی" اند نه ملت ما

خواننده عزیز و همکار دایمی ما احمد ضیا از پشاور بازهم گزارشی را که بیان واقعیت های تلخ و نمونه های بارزی از جنایات تکاندهنده اعراب بر مردم بلاکشیده ماست جهت نشر به مجله "پیام زن" فرستاده اند .

ما ضمن قدردانی ازین خواننده عزیز خود مضمون و عکسهای ارسالی شانرا به چاپ میرسانیم و موفقیت های مزید برایشان آرزو میکنیم.

این یك واقعیت است که همیشه قلدران هرچه خواسته اند کرده اند . آنها همیشه اعمال وحشیانه خود را رنگ قانونی داده و همیشه مظلومان هستند که قربانی قانون میشوند و زور مند ان همیشه مافوق قرار داشته اند.

بعد از کودتای هفت ثور که وطن ما صحنه تاخت و تاز مزدوران روس گردید، کشت و کشتار هم میهنان ما بنامهای این وآن شروع شد و بعد از تجاوز مستقیم روس ، افغانستان به خرابه مبدل گردید .

در اینطرف هم نوکران اجانب و بیگانه پرستان بخاطر بدست آوردن پول ، موتر ، بلدنگ و ده ها ناز و نعمت در ایران و پاکستان ، مردم بیگناه ما را میکشند . شهر ها را راکت باران میکنند و میگویند اهداف مجاهدین مراکز نظامی دشمن است در حالیکه برای تمام هموطنان ما روشن است که سرویس شهری هیچگاه مرکز نظامی شده نمیتواند.

این نوکران فرومایه وقتی که راکت را بسوی شهر ها نشانه میگیرند و بدورش قران شریف را دور میدهند تا بفرق نجیب بخورد اینرانمی دانند که چه فاجعه‌ای می آفرینند؟ آیا این حماقت ، مزدور منشی و وطنفروشی نیست ؟ آنان این جنایات را در بدل پولیکه از اجانب میگیرند انجام میدهند و هر روز دهها طفل و زن و مرد بیگناه هموطن ما را قربانی سیاست های ددمنشانه بیگانگان میسازند و خود به زندگی مرفه وآرام میرسند.

اگر زور داری هزار میل سلاح مردم را بفروش و یا در میدان قمار بباز این جهاد است !! و آن مجاهد مظلوم را اگر یك پوچك را گم کرد به میز محاکمه بکشان !! اگر قومندان به ناموس ده ها دختر تجاوز کرد این یك عمل شرعی (نکاح) است و پیرو خط اسلام ! اگر به ناموس فرزند شهیدی تجاوز شد تجاوز کار باید به عربستان سعودی جهت ادای حج روان شود! و طفلیکه مورد تجاوز قرار گرفته است از دارالایتام خارج گردد!! و جنایات تکاندهنده بیشماری ازین قبیل .

←

مردم ما از تمام این جنایات اطلاع موثق دارند و جنایتکاران را هم میشناسند ولی افسوس که دست شان حالا نمیرسد اما دور نخواهد بود روزیکه درافغانستان آزاد مردم جزای این بد کاران رابدهند ۰

در مجله "البنیان المرصوص" که گروه مزدور سیاف با پول عربها آنرا منتشر میکند اخیراً گزارشی بنام اجرای حد شرعی در یکی از ولایات شمال کشور که توسط عربهای وحشی و بدکار انجام گرفته است به چاپ رسیده۰ آنان با افتخار این جریان را در مجله خود با عکسهایی که از صحنه گرفته شده بچاپ رسانیده و باینصورت پرده جنایات خود را خودشان میدرند بدون اینکه ازین عمل زشت و وحشیانه شان کوچکترین شرم و خجالتی بکشند ۰ فلمهای این جریان را هم بخارج فرستاده اند ۰ به سیاف



هموطنان مظلوم ما که زیر سنگهای وطنفروشان وابسته به اعراب دفن شده اند۰ ناپاکی ،آلودگی و ددمنشی آنانیکه حکم به اجرای یکچنین جنایات رذیلانه میدهند هزار بار بیشتر از هر مرد یا زن بزهکار است۰

میگویم که چراحد شرعی را بالای بادارت ابو اکرم عرب بیناموس که به فرزند شهیدی تجاوز کرده بود جاری نکردی و برایش تکت طیاره خریدی و به او گفتی که حج عمره برو و طواف کن تا گناهانت بخشوده شوند ! !

اینجاست که وقتی پای مزدوری و پول در میان میاید ننگ افغانیت ، اسلامیت و شریعت مفهوم خود را از دست میدهد ۰ و سیاف تمام این چیزها را بپای اعراب فدا میکند ۰

ای سیاف ! تو و امثال تو میگفتید عکس از نظر شرعی چیزی حرام است پس به نشر این عکس چه ضرورتی داشتی ؟ در حالیکه پیغمبر خدا فرموده است عیب مسلمان را ستر کنید خداوند عیب شما را روز قیامت ستر میکند آیا به این قول پیغمبر ایمان داری یا تنها خود را مقید به ستر فساد های باداران عربت میدانی ؟ آیا خودت مجرمتر ازین افراد سنگباران شده نیستی ؟

اگر واقعا به شریعت ایمان داری و قانون حد شرعی را اعمال میکنی این باداران عربت تماما باید رجم شوند چون آنها بغیر از تجاوز به نوامیس افغانها بخاطر کار دیگری به افغانستان نمی آیند۰

سیاف (۰۰۰۰) ! ازین حیا نداری که بادارانت دختران مربوط به گروهت را چند روزه نکاح نموده و بعد در هجرت کلی یا در میدانهای هوایی کراچی و اسلام آباد برایت رها میکنند ۰ اینها همه فراموشت شده است ؟ ۰۰۰ (اگر در فلان بی غیرت درخت سبز بکند میگوید خیر زیر سایه آن مینشینم) ۰

سیاف (۰۰۰۰) ! اگر به این باور باشی که مردم روس شکن ما فریب ریش ابلیسی ترا که در هر تارش هزار شیطان بازی میکند خواهند خورد این آرزو را بگور خواهی برد۰ این شرم آور نیست که باداران عربت که مایه تمام فساد های اخلاقی در افغانستان اند تطبیق کنندگان قانون حد شرعی در مورد فسادهای اخلاقی باشند ؟

بخداوند قسم که دروغ میگوئید۰ اینهمه کارهایتان بخاطر خوشی عربهای جانی و بد اخلاق است و الا شما و قانون خدا بسیار دورید۰ وآگاه باش که آنروز بزودی آمدنی است که تو وهمدستان پلید تو بوسیله مردم مسلمان و دلاور افغانستان با چنگ و دندان ریز ریز شوید۰

نابود باد بیگانه پرستان

زنده باد مردم شجاع افغانستان

احمدضیا از شهر پشاور



آدرس بانکی:

Mrs. Hafez
A/c No. 9631-1
Habib Bank Ltd.
Frere Street Branch
Saddar-Karachi
Pakistan

قطب الدین هلال همدستان خلقیش را متهم می کند

قطب الدین هلال از "امیرچه" های مهم حزب "امیر" گلبدین گفته است : "حزب وطن مرکب از گروههای خلق و پرچم است که مسئولیت ویرانی افغانستان و قتل عام افغانها را بعهده دارد ۰ تا زمانیکه حزب مذکور از قدرت کنار نرود ، شعله های جنگ در کشور خاموش نخواهد شد۰" ("دی فرنتیر پست" ، ۶ اکتوبر ۱۹۹۱) ۰

درین هیچ جای شك نیست ۰

ولی "امیرچه" صاحب باید بداند که مردم مادر زمان تصفیه حساب با وطنفروشان مخصوصاً به حساب آن "احزاب جهادی" و "رهبران جهادی" هم خواهند رسید که داغ خیانت نا زدودنی همدستی بایکی ازآن عوامل بربادی و قتل عام یعنی میهن فروشان خلقی به رهبری شهنوازتنی و سروری را بر جبین دارند ۰

و اما "شعله های جنگ" بازهم خاموش نخواهد شد اگر پس از سقوط رژیم دست نشانده رژیمی زیر نفوذ حزب تروریست ها ، حزب شما و امثال شما حاکمیت یابد۰ "شعله های جنگ" مادامیکه افغانستان بلا دیده‌ی ما از جراثیم بنیادگرایی شما پاك نشده و دولتی مبتنی بر ارزشهای دموکراسی و متضمن آزادی زن ، در آن استقرار نیافته ، کماکان زبانه خواهد کشید ۰





گورباچف یلتسین یی اوس و پیژاند

خوار او بی وزلی گورباچف خپل هملاسی بوریس یلتسین بی د شوروی دجمهوریتونو د ببلیدو او خپلواکی غوښتنو دعامل په حیث محکوم کړ او څرګنده بی کړه : "یلتسین د شوروی او اوکراین سره د مشترك المنافع دولتونو د جوړولو تړون د لاسلیك نه وروسته ، ددی پرځای چی خبر یی په کرملین کی ماته راکړی ، په تلفن کی د امریکی جمهور رئیس بوش ته اطلاع ورکړه۰ څومره د شرمه ډك او غلط کاردی" !

داسی ښکاری چی دا ستومان او احمق سیاستمدار اوس پوهیږی چی یلتسین څوك دی۰



د جنایتکارو عربو لاسونه!

ارسالی خواننده‌ای از آلمان

به نقل از مجله BETO ، سپتامبر ۱۹۸۸

من حقیقت را میسرایم

مریم ماکیبا (Mariam Makeba) آواز خوان مشهور و سمبول استقامت وپیگیری درمبارزه علیه تبعیض نژادی در حالیکه به اثر فشار رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی کشورش را ترک کرده و از چندین سال باینطرف در تبعید بسر میبرد طی مصاحبه‌ای به سوالات خبرنگار مجله آلمانی "بیتو" پاسخ میدهد ·

هرچند مصاحبه مدتها قبل انجام گرفته ولی بخاطر آشنایی با نظر یك هنرمند که در مقابل مردم و میهنش خود را متعهد میداند، آنرا انتشار میدهیم·



مریم ماکیبا

س : شما همیشه در آهنگهای تان نه تنها از موزیك خالص کشورتان استفاده میکنید بلکه بیشتر روح مردم تانزانیز در آن انعکاس داده و صدای افریقای جنوبی را ترسیم میکنید ، آیاموسیقی میتواند قوه‌ی سیاسی داشته باشد ؟

ج : از نظر من این یك قوه انسانی محسوب میگردد ، در حالیکه دیگران آنرا قوه سیاسی مینامند· بیشترازین نمیخواهم درین مورد صحبت کنم · ما میخواهیم در کشور خود مانند دیگران آزاد زندگی کنیم · ماهنور حلقه غلامی را بگوش داریم· آنچه من بحیث یك خواننده میسرایم همه اش از زندگی مردم و جامعه ماست و چیزی را که خودم درك نتوانم، نمی توانم بسرایم ·

س: این احساس شاید بخاطری نزد شما باشد که آهنگهای تان در افریقای جنوبی ممنوع قرار داده شده است ؟

بقیه درصفحه ۳۴

پسر مودودی جماعت اسلامی را افشاً میکند

پسر ابولاعلی مودودی در مصاحبه‌ای که بتاریخ ۷ سپتامبر در روزنامه جنگ لاهور انتشار یافت به شرح گوشه ای از ماهیت جماعت اسلامی پرداخته که اینك ما ترجمه کامل مطلب مذکور را در اختیار خوانندگان عزیز خود قرار میدهیم.

سید حیدر فاروق مودودی پسرابوالاعلی مودودی بنیانگذار جماعت اسلامی ضمن گفت و گو با روزنامه جنگ یادآور شد که فلسفه استخدام فعالین سیاسی معاش گیر (حرفه‌ای) را پدرم از حزب کمونیست هند گرفته بود منتهابا این تفاوت که درحزب کمونیست هند افراد قابل احترامی چون فیض احمد فیض و سجاد ظهیر بودند و در جماعت اسلامی افراد ناکام و مردود جامعه . وی اضافه کرد که از سال ۱۹۴۱ تا امروز حتی یك شخصیت بزرگ علمی و ادبی یا اجتماعی با جماعت اسلامی نپیوسته است . حیدر فاروق متذکر شد که افرادی چون مولانا امین صلاحی ، مولانا منظور احمد نعمانی ، مولانا غفار حسن ، داکتر اسرار احمد و ارشاد احمد حقانی با توطئه ای از جماعت اسلامی اخراج شدند. وی گفت همین حالا اعضای معاش گیر جماعت اسلامی قبل از پیوستن شان به این حزب صاحب مقام مهم علمی و اجتماعی در جامعه نبوده اند . وی افزود که میاطفیل احمد و سلیمی قبل از پیوستن شان به جماعت اسلامی وکیل بودند آنهم وکلای ناکام . واین گفته اسلم سلیمی که مسئولین معاش گیر جماعت اسلامی رابا کارکنان معاش گیر سایر احزاب مقایسه کردن ،بیعدالتی است ، در واقع احساس برتری جوبی بی اساس اسلم سلیمی را نشان میدهد زیرا او کوچك بودن خود را هرگز نمیتواند بپذیرد. وی گفت که اعضای معاش گیر جماعت اسلامی درین تلاش اند که تجهیز و تدفین شان هم از بیت المال صورت گیرد . وی گفت که جماعت اسلامی در پاکستان جز فساد برپا کردن زیر نام دین هیچ خدمتی انجام نداده است . و تنها بخاطر گرانفروشی با حکومت مخالفت میورزد در حالیکه واقعیت امراینست که جماعت اسلامی هیچگاه اتحاد جمهوری اسلامی را رهانمیکند .



د کویټ هستی د امریکی په خدمت کی

کویټیان په امریکا کی دخپلو پیسود مصرفیدو شوقیان دی ۰

دکویټ سفارت په واشنګتن کی ۲۰۰ ۰۰۰ ډالر پیسی دکارولینا ایالت د اکادمی مرکز ته، یو ملیون ډالره هغی ټولنی ته چه دامریکاد عسکرو او دفترونو ساتنه کوی ، نیم ملیون ډالر دامریکایی نظامی پرسونل دخدمت لپاره، یو ملیون ډالره هغی ټولنی ته چه دامریکایی قربانیانو دبچو خدمت کوی کوم چی په خلیج کی وژل شوی ، ۲۵۰ ۰۰۰ ډالره د امریکایی بحری ځواکونو قربانیانو دبچو لپاره او یو ملیون ډالره هغه ټولنی ته چه دخلیج دجګړی‌نه‌دامریکایی عسکرو ستنیدل یی جشن نیولی وه ، ورکړی دی ۰

دمسلم ورځپاڼه ۳۰ اګست ۱۹۹۱

د کنیدی قاتل د سی آی ای عامل

د کی جی بی دوسیی په ډاګه کوی چی هاروی اوسوالد (هغه څوک چه دکندی د قتل په اتهام ونیول شو خو لږه موده وروسته ترور شو) په ۱۹۶۳ کال کی دجمهور رئیس کندی په قتل کی نشو کولای یواځی عمل وکړی او هغه ته د سی آی ای یا اف بی آی د عامل په توګه اشاره شوی ده۰

فرنټیرپسټ ددسامبر یولسم د ۱۹۹۱ کال

د حزب اسلامی د ګوند غړی په قاچاقو بوخت دی

په چترال کی چی ۳۸ زره افغانی مهاجرو کورنی اوسیږی ، زیاته برخه یی دبدخشان ، پنجشیر ، کنړ ، نورستان او تالقان اوسیدونکی دی ۰ څرنګه چی په دی مهاجرینو کی د چرس او تریاکو استعمال ډیر زیات دی نو دګلبدین دګوند غړی دزیاتو پیسو دلاس ته راوړلو لپاره دنشه ایزو شیانو په تجارت بوخت دی۰

د نوامبر په لمړی نیټه دګلبدین د ګوند یو مشهور غړی چی عبدالنبی نومیږی او د ناړی د علاقه داری د عبدالولی قوماندان څوی دی دخپل تره نورولی سره یو ځای غواړی چی په زیاته پیمانه چرس او تریاك د دیر نه چترال ته د قاچاق په توګه انتقال کړی۰ عبدالنبی په دیر کښی د ښځو چادری په سرکوی او د داتسن په لمړی سیټ کی کښینی ۰ کله چی د دوی موټرړ دیرو د ضلعی د ګجرو کلی ته رسیږی د دیر پولیس د پخوانی اطلاع په اساس دا موټر دروی ۰ نورولی سمدلاسه تښتی او عبدالنبی چی دښځو کالی او چادری یی په تن وه، د پولیس د ډیر ټینګار سره سره د موټر نه کښته کیږی نه خو پولیس هغه په زوره د

پاتی په ۷۰ مخ

خاطرات سفرم به ایران

ارسالی
سین ۰ ی ۱۰
ازایران

خوانندگان گرامی ،

یکی از دوستان ما خاطرات سفر پر رنج خود را به ایران که حکایه از رفتار غیر انسانی و شوونیستی حکام مستبد آنکشور مقابل مهاجرین افغان رادارد، برای ما فرستاده است ، با تشکر از همکاری این دوست عزیز گزارش او را با اختصار انتشار میدهیم ۰

ساعت یازده صبح بود که همه مقابل کنسولگری ایران درپاکستان جمع شده بودیم وانتظار دریافت "برگه عبوری" را داشتیم۰ درین اثنا سر و کله یك مرد سیاه پیدا شد و با لحن آمرانه و تهدید آمیز گفت :"همه بیائید نزدیك پنجره و کسی سر و صدانکند، اگر سرو صدا شنیدم به هیچکدامتان "برگه" نمیدهم ۰"همگی آرام و بدون سروصدا نزدیك رفتیم تا اینکه نوبت من رسید و "برگه" را تسلیم شدم ۰ بلافاصله تکت تفتان را خریده و فردا خود را به آنجا رساندم۰ داخل گمرگ پاکستان شدیم ۰ فی نفر ۱۰۰ روپیه دادیم تا در نامه ما مهر خروجی زدند ۰ همگی میدانستیم که پول مذکور را پولیس پاکستان به جیب خود میزند اما چون مثل یك قانون قبول شده بود هیچکس صدای خود را نکشید ۰

از مرز گذشتیم و داخل خاك ایران شدیم ۰ بعد از یك ساعت انتظار مردی با لباس سیاه و کلاه ترافیکی آمد و اسامی همه را خوانده یك یك داخل موتر باربری انداخت و رهسپار اردوگاهی شدیم که آنجا معاینات طبی ما انجام میگرفت ۰ در بین راه پولیس از هر کدام ما ۲۰ تومان بعنوان کرایه گرفت چون اردوگاه در چند قدمی ما بود فهمیدیم که فساد و رشوه ستانی تنها منحصر به کشور پاکستان نیست بلکه دم و دستگاه ایران نیز ازین نوع فرسودگی ها دارد ۰ بعد از تلاشی و تحقیقات ابتدایی توأم باتوهین و عصبانیت مسئولین به خیمه ها هدایت شدیم ۰ داخل خیمه ها پر از زباله و کثافت بود ۰ چند تا دستشویی آنجا بود که آب نداشت ۰ از آفتابه هم خبری نبود ۰ مهاجرین برای رفع ضرورت خود قوطی هایی را پیدا کرده بودند که در آن آب میگرفتند۰ ساعت ۳ بعد از ظهر یك مقدار برنج جوش داده و بدون روغن به عنوان نان چاشت برای ما آورده شد که بی نهایت چتل ،بدبو و پر از فضله موش بود ۰

فردا صبح معاینات طبی ما شروع شد۰



همه باید خود را برهنه میکردیم تامعاینه صورت گیرد این نه بخاطر آنکه معاینات دقیقی رامیخواستند انجام دهند بلکه آنها چون میدانستند که افغانها مقابل کارهایی ازین نوع حساسیت دارند ۰ به ما ابلاغ کردند یا خود را برهنه کنید و یا اصلاً حق رفتن را ندارید ۰ بعد از ختم معاینه سوار موتر های زاهدان شدیم و فی نفر ۱۵۰ تومان کرایه دادیم ۰ یك شب در زاهدان بودیم فردا صبح آن با لودسپیکر صدا زدند که "بیائید جلو در اردوگاه" ۰ رفتیم و اسم نویسی آغاز شد ۰ درین موقع دو نفر از مهاجرین افغان را باسیم کیبلی چنان لت و کوب کردند که از حال رفتند ۰ گفتند آنان از راه قاچاق آمده بودند ۰ ده شب در اردوگاه ماندیم ۰ سرمای زمستان همه را شدیدا ناراحت ساخته بود ۰ اکثریت باشندگان اردوگاه به امراض گوناگون مبتلا بودند ۰ خیمه ها همه پاره پاره و هر کدام ما دو تخته پتوی نازك داشتیم ۰ غذای شب ما فقط برنج که قبلاً توصیف آنرا کردم بایك قرص نان بود ۰

هرشب صدای ناله و فریاد هموطنان خود را میشنیدیم ۰ بعد ها فهمیدیم که اینها افغانهایی اند که آنانرا از شهرها جمعاوری و بخاطر "رد مرز" به این اردوگاه آورده اند که تحت شکنجه های گوناگون قرار داشتند ۰ تعدادی از هموطنان مهاجر ما درین اردوگاه یا جان میدادند و یا معیوب میگشتند ۰ من شاهد بودم که حتی پیرمرد ضعیف و ناتوان و یك کودك شش ساله را هم بعلت نداشتن مدارك لازم به این اردوگاه آورده بودند تا "رد مرز" نمایند ۰

"رد مرزی" ها از این کمپ روانه تل سیاه (اردوگاه وحشتناك و معروف بین افغانها) میگشتند ۰ در تل سیاه بین ۲۰۰۰ـ ۴۰۰۰ نفر به وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین شکلی و بدون داشتن کوچکترین وسایل زندگی نگهداری میشوند ۰ کسانی که از تل سیاه زنده میبرایند همه علیل و بیمارند و به علت ضربت روحی که دیده اند دیگر آن انسانهایی نورمال قبلی نیستند همه وحشتزده و گوشه گیر اند وفکر میشود مدتها بین انسانها زندگی نکرده اند ۰ شرح وضعیت اسفبار در اردوگاه تل سیاه درین مختصر نمی گنجد ۰ بر میگردیم به بقیه خاطرات سفرم ۰

بعد از سپری نمودن ده شب توأم با مشکلات و فشار های گوناگون جسمی و روانی از اردوگاه خارج شدیم و بطرف اصفهان حرکت نمودیم ۰ در مسیر راه برخورد مسئولین امنیت با افغانها بی نهایت غیر انسانی ، خشن و تحقیر آمیز بود ۰ بالاخره به شهر اصفهان رسیدم که این شهر نیز برای ما افغانها جای امنی نبوده و تعداد زیادی از هموطنان ما در اثر برخورد های شوونیستی عده‌ای از ایرانیان به خاك و خون کشیده شده اند ۰ اینجا هم حوادث هولناك زیادی دیدم و شنیدم و این هم شرح یکی از آنان :

آقای راسخ مسئول "حزب وحدت اسلامی"

بقیه در صفحه ۶۸

مړدی وی ګوډاګی رژیم او دبنسټ پالو فاشیزم!

این بار عزیز احمد عثمانی قربانی تروریزم شد



روز دوشنبه ۴ قوس انجنیر عزیز احمد عثمانی آمر کورس های لسان آی·آر·سی دریك حمله ناگهانی تروریست ها در شهر پشاور مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت·

وی که ۳۷ سال داشت از جمله طرفداران سرسخت آموزش زنان بود· گفته میشود که او قبلاً هم چندین بار به مرگ تهدید شده بود·

تا کنون مسئولیت قتل او راکسی بدوش نگرفته اما هموطنان ما خوب میدانند که این عمل جنایتکارانه ادامه سلسله ترور هایی است که از طرف باند فاشیستی بنیادگرا علیه روشنفکران آزادیخواه ما انجام میگیرد·

ما همیشه اعلام داشته ایم تا وقتی که جرثومه بنیادگرایی در کنار جنبش ما وجود داشته باشد ، تا وقتی که موضع نیروهای ملی و دمکرات در برابر آنان پسیف ، سازشکارانه و تسلیم طلبانه باشد و تا وقتی که تمام نیروهای آزادیخواه در مقابل آنان متحد و یکپارچه نباشند این ترورها ادامه داشته و فاشیست ها دراعمال جنایتکارانه شان بیشتر از پیش تشجیع خواهند شد·

"جمعیت انقلابی زنان افغانستان" در سوگ شهادت عزیز احمد عثمانی خود را شریك دانسته به تمام اعضای فامیل ، اقارب و دوستانش تسلیت گفته و بدینوسیله همبستگی خود رابا آنان اعلام میدارد ·

◆◆◆

په پیام‌زن

ساندی انتقاد او وړاندیز وکړی·

پیام‌زن

ته خبر ، ریپوټ ، شعر ، عکس ، کاریکاتور او هر هغه مطلب چه د ښځو او د هغوی د مبارزو او یا حیلو اکی پوری اړه لری ولیږی·

دفاع "امیر" تروریست از حافظش

آقای صبغت اله مجددی سرانجام عقده‌ی دیرینه ی دلش را بیرون داد و درینمورد زبان ملت آزادیخواه ما گردید وقتی در اکتبر گذشته اظهار داشت که از مداخله پاکستان در امور افغانستان به تنگ آمده و بزودی به افغانستان بر خواهد گشت ۰

ولی در مقابل "امیر" الامیران ، "غازی" گلبدین <*> طبق معمول این یکی دو سال اخیر، بدون فوت وقت با مخابره پیامی از داخل افغانستان ، از دولت و مردم پاکستان بخاطر اعاشه و اباته سه و نیم ملیون مهاجر افغانی ابراز تشکر نموده و گفت که ملت افغانستان هرگز برادری ، مهمان نوازی و کمکهای مردم پاکستان را فراموش نخواهد کرد و علاوه نمود "پاکستان همیشه به اراده و تصمیم مردم افغانستان احترام گذاشته و در سختیها قاطعانه در کنار آنان ایستاده است ۰" ("دی فرنتیر پست" ، ۲۲ اکتبر ۱۹۹۱)

بدون شك مردم ما از مردم پاکستان ممنون اند۰ولی اظهار امتنانهای "امیرانه" گلبدین برای چیست ؟ او چرا اینچنین شتابزده و از طریق مخابره در مقابل حرفهای آقای مجددی به میدان میاید؟ صرفاً بخاطر آنچه که بظاهر وانمود ساخته؟

نه ۰ هرگز نه ۰ دیگر کودکان مکتبی افغانستان هم میدانند که تشکر های گلبدین از پاکستان نه بخاطر یك شکم نان و خیمه مهاجرین (این حزب بیشتر از دیگران بر مهاجرین بخت برگشته ما ستم روا میدارد) ، بلکه اساساً بخاطر پوشش و اغماض عجیب و بی نظیری است که بخصوص جناحهایی از دولت و اردوی پاکستان نسبت به ترور ها ، آدم ربایی ها و جنایات مختلف این دار و دسته فاشیست اعمال نموده اند۰

هزاران مادر و پدر، زن و خواهر افغان از دو داغ میسوزند یکی داغ تبهکاریهای روسها وسگان خلقی و پرچمی آنها و دیگری داغ سربه نیست شدن فرزندان پاك و وطندوست شان بدست دژخیمان گلبدینی در داخل و حتی در همین پشاور در شکنجه ـ گاههای شمشتو ، ورسك و غیره۰

و وقتی هم این پدران ، برادران یا خواهران بخاطر عزیزان گرفتارشان درچنگ قصابان بیمار حزب اسلامی ،به مقامات معین پاکستان عرایض و درخواستهایی ارائه

←

<*> کاسه لیس مفلوکی بنام شاهپور افغانی ، بیشرمی و ذلت را در حدی رسانده که در به اصطلاح شرح حال امیر جلادش ("دی فرنتیر پست" ، ۲۶ اکتبر ۱۹۹۰) ، او را "غازی حکمتیار" نامیده است ۰ ای تف ملت ما بر این پستی و خواری !

داشته اند با تحقیر، بی اعتنایی و سردی کشنده‌ای مواجه گردیده اند تا دیگر سودای عرض و داد علیه گلبدین آی اس آی زاده را در سر نپرورانند ۰ زیرا که این مزدور نازدانه ضمن رقصیدن به هر دهلی که صاحبانش زده ، علناً تعهد میسپارد که:

" دولت اسلامی افغانستان (یعنی دولت به "امارت" خودش ۰ پیام زن) کشورهای افغانستان و پاکستان را یکی خواهد ساخت۰ اگر این به هر دلیلی ممکن نباشد ، ما کنفدراسیونی از دو کشور بوجود خواهیم آورد ۰" (روزنامه "دان" ، ۲۸ مارچ ۱۹۸۸)

از "یکی شدن" یا "کنفدراسیون" ساختن افغانستان با کشورهای دیگر فقط میهنفروشان نوخاسته‌ی حزب اسلامی گلبدین و نظایرش، عارندارند سخن بگویند۰ زیرا چنانچه همواره گفته ایم افغانستانی که آفات جنگ ۱۳ ساله و ستم و خیانت بنیادگرایان گلبدینی را لمس کرده وآنگاه دولتی بنیادگرا نیز بر سرش تحمیل شود، دیگر طعمه ای آسان خواهد بود که هر همسایه اش هوس بلعیدنش رابکند۰ از طرف دیگر "یکی شدن" و "کنفدراسیون" ساختن با پاکستان ، مسئله‌ای نیست که یك حزب یا یك فرد حق داشته باشد درباره آن صحبت کند۰ این مسئله اگر در مساعد ترین و مساویاند ترین شرایط هم مطرح باشد ، تنها و تنها از طریق رجوع به آرای مردم ما (رفراندم) باید فیصله پذیرد ۰

گلبدین در لفافه ضخیم "اسلام" و "اسلامی" قسم کرده که وطن ما رابشکرانگی دودستی به پاکستان تقدیم کند بشرط اینکه به یاری این دولت یکبار بر توشك و سترنجی <*> "امارت" کابل بنشیند۰

"تو به مه که مه به تو"! تو دولت پاکستان دست مرا در تروریزم و زورگویی علیه نیروهای دیگر و مردم آزاد بگذار و من (گلبدین) هم اگر "امیر" شوم و افغانستان را با "یکی ساختن" یا "کنفدراسیون" ساختن در تو "اسلامی ناب" نکردم ، سر من و ساطور تو !

اینست رمز پریدن فوری گلبدین بر روی مجددی و دفاع او از دولت پاکستان !

ولی آقای "امیر" ، این ابرهای سیاه آدمکشیها ، اداها و حرفهای فرعونی تو و حزبت دیری نخواهد پائید ۰ خیلی دور نخواهد بود که تو و یاران خلقی و پرچمی و سایر همدستان و همفکرانت با احساس سرنیزه های آزادی و دمکراسی مردم کارد به استخوان رسیده‌ی ما بر شقیقه های تان ، از خواب خوش بیدار گردید۰



<*> روش روح اله خمینی بود که بر چوکی نه نشیند چون شاید عملی بود هم "غربی" و هم "غیر اسلامی"۰ بناً تصور نمیشود مینی خمینی وطنی ما ~~کمتر~~ کمتر از او "اسلامی" ، "ضد غربی" و "انقلابی" باشد ۰

مردم "تیمور شرقی" باردیگر علیه فاشیزم دولت سوهارتو بپا میخیزند

در دسامبر ۱۹۷۵ ، عساکر دولت فاشیستی سوهارتو با قتل عام مردم و درندگی بیسابقه‌ای جنبش آزایخواهانه تیمور شرقی برهبری فریتلین (FRETILIN) (جبهه انقلابی استقلال تیمور شرقی) را توانستند موقتاً خاموش سازند ۰ ولی اینك مردم این جزیره جهت کسب استقلال وطن شان از چنگ دولت اندونیزیا مجدداً به خروش در آمده اند۰ تنها در اوایل سال گذشته بیش از۱۰۰ نفر از تظاهر کنندگان در دیلی پایتخت تیمور شرقی توسط پولیس اندونیزیا به قتل رسیدند ۰ سه ماه پیش نیز تظاهرات عظیم دیگری درآنجابه خاك وخون کشیده شد۰

پس از تهاجم اندونیزیابه تیمورشرقی بر اساس تخمین‌سال ۱۹۸۹، جمعیت ۰۰۰ ۷۱۰ نفری آن لااقل به۰۰۰ ۲۰۰ نفر تقلیل یافته است ۰ ۶۰۰۰۰ تن کشته شده‌اند و۰۰۰ ۱۴۰ از گرسنگی جان داده اند ۰

تیمور شرقی سابق مستعمره پرتگال که ۱۴۷۶۰ کیلومتر مربع مساحت دارد علاوه بر قهوه ، دارای منابع غنی نفت است ۰ بهمین علت دولت آسترالیانیز طی موافقتنامههایی بادولت اندونیزیا ،به آن چشم دوخته و بناً حاضر نیست در سمت تامین استقلال تیمور شرقی خلاف سیاستهای رژیم سوهارتو حرکت کند ۰

◆◆◆



سرکوب خونین محصلان در دیلی توسط نیروهای اشغالگر اندونیزیا

آزادی زن در قاموس رژیم پوشالی کابل

گزارش یکی از خوانندگان "پیام زن" وقتی بدست ما رسید که نشریه زیر چاپ میرفت ۰ ما ضمن سپاسگزاری ازین دوست عزیز خود مطلب شانرا که بیانگر گوشه کوچکی از جنایات خادی های شرفباخته و وطنفروش است ، به نشر میرسانیم۰

روز سوم عید قربان (۱۳۷۰/۴/۴) در مرکز ولایت فراه نجیبه دختر شیخ احمد اسحاق زایی مسکونه قریه شمالگاه فعلا باشنده شهرفراه وهمسر انارگل از میله "باغ کافی" بطرف خانه اش روان بود که در سرك شمالی لیسه میرمن نازو مورد حمله چهار نفر خادی به اسامی حلیم ولد حاجی محمد علم "بوچ" ، شیرین ولد ملهم خان تلفنچی ، عبدالقیوم ولد سلطان دکاندار و سهراب ولد نبی خان تولیمشر قرار گرفت۰ این خادی های شرفباخته دختر مظلوم را در مقابل دیدگان ده ها عابر داخل موتر انداخته و بدشت "قلعه ارباب" میبرند و هرچهار نفر او را مورد تجاوز قرار میدهند وبعد در حالیکه دخترك بیهوش است او را آورده و نزدیك خانه اش می اندازند۰

چون جریان سر و صدایی در شهر خلق میکند قوماندانی خارندوی ظاهرا این چهار نفر را دستگیر مینماید۰ خاد دست بکار شده فامیل دختر را تهدید میکند که آرامش خود را داشته باشید و هم مبلغ ۲ میلیون افغانی به شوهر نجیبه ۱۷ ساله میدهد، تا زن دیگری برای خود بخرد، به اینصورت چهار خادی بی ناموس دوباره آزاد میشوند۰

خادی های شرفباخته هر روز صدها جنایت ازین نوع می آفرینند، نجیبه مظلوم بدون کوچکترین جرمی مورد تجاوز قرار میگیرد، تحقیر میشود و بعد هم طلاق شده و بی سرنوشت میماند۰

جرم اینهمه رنج و درد نجیبه زن بودن اوست که باید تا آخر عمر بی سرنوشت در کنج خانه بنشیند و اشك بریزد۰

اصغری از زابل



دکنړو نو وروستنی ...

که چیری مونږ کنږ د "آزادی" معیار ونیسو نو کولای شو اټکل وکړو چی کله بنسټپالی په ټول افغانستان بر لاسه شی څه اخ او ډب او دربدری به زمونږ دخلکو په برخه شی ۰ د افغانستان دټولو خلکو هیله دکنړ د بی وزلو او غیرتمنو خلکو پشان داده چی هیڅکله هغه ورځ چی بنسټپالی په افغانستان حاکم شی په سترګو و نه وینی ۰



کشمیر در آتش بیداد می سوزد

به اساس گزارش "جنبش حقوق انسانی سرینگر" در کشمیر اشغالی تا ماه مارچ سال جاری (۲۰۴۳۴) نفر و از اول اپریل تا ۲۵ اکتوبر (۱۴۶۹) نفر کشمیری به شهادت رسیده اند.

طبق همین گزارش صرفا در (۶) محله (۱۱) تن به آتش سوزانده شده اند در حالیکه از محله های دیگر آمار دقیق در دست نیست .

تا حال حدود (۲۰ ۰۰۰) نفر به زندان افکنده شده اند. هر فرد نظامی میتواند در هر لحظه ای از شب یا روز دروازه خانه های مردم شریف و خالی دست را کوبیده آنان را کشان کشان به مراکز بازجویی ببرد . بیشتر از ۱۷ مرکز بازجویی وجود دارد که در آن بالغ بر (۷۰۰۰) نفر تحت شکنجه قرار دارند .

تا کنون حدود (۸۰۰۰) خانه سوختانده شده که در بعضی موارد اهل خانه نیز درآن سوخته اند .

تجاوز جمعی بر زنان امر عادی و روزمره است و تا حال بیشتر از (۴۰۰۰) زن به اشکال گوناگون مورد اذیت قرار گرفته

بقیه در صفحه ۶۳

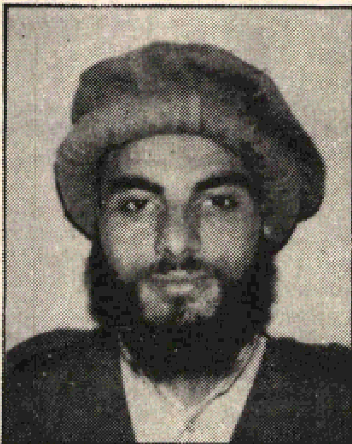


عده ای از قربانیان عساکر وحشی هند در کشمیر

کشته شدن جاسوسان و مزدوران عرب و ایرانی در کشور

خبر وجود و کشته شدن مزدوران خارجی عربی ، ایرانی و سیاهان امریکایی در افغانستان ، هیچ یا خیلی کم در مطبوعات پاکستان درز کرده است ۰ اما پس از افشا شدن جنایات این مزدوران علیه مردم و بخصوص زنان وطن ما و بعد از قتل مولوی جمیل الرحمن ظاهرا بدست یکی از مشاوران عربش، گاهگاهی اخبار دم بریده و ناقص مربوط به آنان در روزنامه های پاکستان دیده میشود ۰ در "دی فرنتیر پست" (۱۳ اکتبر ۱۹۹۱) این خبر انتشار یافته است : " سیزده عرب که در کنار مجاهدین افغانستان میجنگیدند در جنگ اخیر در اطراف گردیز کشته شدند۰ طبق گزارش یك خبرنگار خارجی که روز جمعه از پکتیا برگشته است ، ۲۵ عرب هم مجروح گردیده اند۰ یك قوماندان عربی بنام عبدالناصر ۲۹ ساله زمانی کشته شد که هاوانش بروز چهارشنبه منفجر گشت ۰ سه عرب دیگر و یك ایرانی نیز همراه با عبدالناصر به قتل رسیدند ۰ عبدالناصر که ملیت الجزایری داشت از سه سال به اینسو در جنگ افغانستان فعال بود۰ بیش از ۲۰۰ عرب در پکتیا مشغول جنگ اند ۰"

این زمستانها رفتنی است ولی کسانیکه بخاطر حاکمیت یافتن بر جان ومال و خاك ما ، مزدوران بی ناموس خارجی را بین خود جا و مقام داده اند ، نزد مردم ما همچنان روسیاه و محکوم باقی خواهند ماند ۰



"قومندان "عبدالناصر الجزایری

مبارزه برضد ارتجاع وهرگونه انقیاد ملی درفش رزم زنان ماست



از زبان مادر داغدیده‌ای در "ملالی روغتون" بشنوید !

روزانه تا ۳۰۰ زن و کودك مهاجر وطن ما در "ملالی روغتون" تحت مداوا قرار میگیرند. ما هر روز از زبان این عزیزان قصه های غم انگیز دربدری شانرا میشنویم . درینجا قسمتهایی از صحبت پر درد یك مادر مریض را که دلخواه نام دارد برایتان میآوریم .

این مادر سرگذشت غم انگیزش را چنین آغاز میکند: "ما در افغانستان در ولسوالی چهل دختران ولایت قندوز با دو پسر جوانم بنامهای عبدالغفار ، امام الدین ، چهار طفل خورد سال و شوهرم به اسم خیرالدین زندگی میکردیم. فعلا در ازبك بازار کویته با پسر ۱۵ ساله ام زندگی خود را به پیش میبرم" . پسرك نوجوان دلخواه که باید مکتب میرفت مثل هزاران نوجوان مهاجر ما بخاطر تهیه لقمه نانی روزها در ازبك بازار سرگردان است و اکثرا کار نمی یابد . خود دلخواه در خانه های مردم رختشویی میکند . زندگی مشقتبار دلخواه او را آنقدر رنج نمی دهد که رنج اصلی اش از روسها و بنیادگرایان است . دلخواه میافزاید : "من درین ۱۲ سال جنگ تمام زندگی خود را از دست داده ام . شوهرم در زیر تانك روسها شهید شد و من بدون سرپرست ماندم . طفل هشت ماهه ام در گهواره توسط توته مین ازبین رفت. من دختر آغشته بخون خود را در بغل گرفتم و حیران بودم که کجا دفنش کنم تا این عذاب از سرم گذشت به حادثه هولناك دیگری روبرو شدم طوری که یکروز در مسجد چهل دختران اطفالیکه از ۱۵ سال بالاتر عمر نداشتند

←

مشغول قران خواندن بودند که فیر توپ روسها صدای این اطفال معصوم را خفه ساخت من سرلچ بطرف مسجد دویدم حالم خراب شد تمام مسجد بخون اطفال معصوم سرخ شده بود ، من از حال رفتم • دلخواه وقتی از آن صحنه یاد میکرد اشك میریخت او میگفت "غمهای من فراموش ناشدنیست • بچه جوانم 'غفار' که در اول فریب حزب گلبدین را خورده است بسیار آزارم میدهد• او مجاهد یکی از قومندانهای گلبدین بنام ابوالحیات در ایبك میباشد• قومندانانیکه بین مردم ما نفاق انداخته و برادرکشی میکنند• آنها پسرم رانزدشان نگهداشته و نمیگذارند پیش من بیاید• پسرم میگفت اگر بگریزم مرا میکشند من فرار کرده نمیتوانم • با آنهمه ظلم و بدبختی نمیتوانستم در افغانستان بمانم • مجبور شدم راه مهاجرت را پیش بگیرم به ایران پناه بردم و خبر نبودم که ظلم دولت ایران از دولت افغانستان بیشتر است • ظلم پاسداران ایران زندگی ام را سیاه تر ساخت • امام الدین که تازه به جوانی رسیده بود حال سرپرستی خانه ما رابعهده داشت او کارت ایرانی نداشت اگر شور نخود میفروخت از طرف کمیته ای ها لت و کوب میشد و اگر شربت فروشی میکرد بشکه های شربتش با لگد های پاسداران از بین میرفت • من از روی مهر مادری بخاطر فروش برایش برنج می پختم ولی پاسداران در دیگ برنج او خاك می ریختند و چند روز بعد بچه ام را پاسداران از بازار گرفتند و تا امروز که سه سال میشود خبری از او نیست • بعد از گم شدن پسر نامردام زندگی من سیاهتر شده است •"

این شکنجه ها سینه دلخواه را درهم فشرده• ولی او آرزو دارد افغانستان آزاد شود و دوباره به همان کلبه ویزانه اش برگردد و با دیدار وطن و یافتن پسران گم شده اش چشمانش روشن شود • این آرزویی است که هزاران مادر داغدار وطن ماآنرا بدل دارند•

☆ ☆ ☆ ☆



دوران طلایی مناسبات امریکا وپاکستان پایان یافت • (یک خبر)

کارتون از روزنامه جنگ

رپانده دی وی د ښځو د آزادی بیرغ!

من حقیقت ...

ج : این را خودم نمیدانم، شاید چنین سوالی را حکومت افریقای جنوبی بتواند جواب دهد . من یك هنرمند هستم و دریك کلام باید بگویم که من زندگی مردم سرزمین خودم را میسرایم .

س : در طول بیشتر از بیست سال این اولین باری است که شما صدای بایکات تانرا ("یك تصمیم و فیصله راسیستی قابل قبول نیست") مقابل حکومت بلند کردید. در رژیم تا حال هیچگونه تغییری بوجود نیامده. نظر تان چیست که رژیم نژاد پرست درین زمینه بعد ازین چه اجر اتی خواهد کرد؟

ج : ... این سیاه پوستان اند که باید همیش تحمل کنند . آنها از طرف یك رژیم تروریست بقتل میرسند ، رژیم نه تنها در افریقای جنوبی دست به جنایات میزند ، بلکه سرزمین های همسایه همه از جنایات سیاه اش بی داغ نمانده . وقتی ما تقاضای تصویب یك سلسله خواسته های خود را کردیم این تقاضا ها به "نه !" جواب داده شد که گویا به هیچصورت قابل تطبیق نیست . سیاه پوستان باید منحیث پائینترین طبقه ستم بکشند و تعیین سرنوشت شان مانند سایر کشور های جهان سوم از قبیل پانامه ، افغانستان ، لیبیا ، ایران و غیره بدست دیگران است . خلاصه این ستم به نحوی از انحاً متوجه همه‌ی کشور های جهان سوم باشد. چراآنان نیز نمی اندیشند که چنین وضع باعث بربادی باشندگان اصلی این سرزمین ها میگردد.





دست های توانای سیاهان عاقبت شلاق سفید های راسیست را بر کردن نژاد پرستان افریقای جنوبی حلقه دار خواهند ساخت .

پیام زن و خوانندگان

با پوزش از آنعده دوستانی که بعلت کمبود جا نتوانستیم نامه هایشانرا پاسخ بگوئیم، درین جا عجالتاً به آوردن صرفاً نام های شان اکتفا کرده و در شماره‌های بعدی به جواب آنان خواهیم پرداخت ۰ نامهای این دوستان ما قرار ذیل اند :

ح ۰ ل مولوی زاده از پشاور که سه نامه شان رسیده ، فتیحی از شورای ولایتی کابل ، رهگذر از کالفورنیای امریکا ، آزی گوران بجات از کرد های عراقی مقیم کویته ، گل آقا از گردجنگل و برادر ایرانی ما رحمن از کراچی ۰

همچنان امیدواریم این همکاران ما نامه های خصوصی ما را دریافت کرده باشند: ریبوارسیوه یلی از دنمارك ، هیوا محمد از کردهای عراقی مقیم کویته، فقیر از آسترالیا ، مسئولین محترم "نشریه رویش" ، هـ ۰ ش ۰ ف از اسلام آباد، اولیا وفا از پشاور ، خواهر عزیز ما بیان از دنمارك ، عبدالحمید، محمد حسن رحیمی از کویته و ز۰ ح از سویدن ۰

بدین وسیله از دریافت شماره (۲۳) مجله "همبستگی" (ارگان نشراتی فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی)، اعلامیه اتحادیه پناهندگان کرد عراقی در رابطه با دومین سالگرد شهادت داکتر عبدالرحمن قاسملو ، اعلامیه ای از نهضت زنان مسلمان و نشریه "مجاهد ولس" به دوستان خود اطمینان میدهیم۰

برادر عزیز "آواره" از سویدن نامه تانرا گرفتیم ، از ارسال شعر ازبکی با ترجمه آن متشکریم، امیدواریم در آینده منبع و ماخذ اشعار و مطالب را نیز واضح سازید ۰ همکاری های تانرا با ما ادامه دهید ۰



خواهر عزیز حنیفه از کانادا ، از ارسال نامه و کمك مالی تان ممنونیم۰ "پیام زن" به آدرس جدید تان فرستاده خواهد شد۰ به امید پیروزی هایتان ۰

همکار عزیز عبدالرشید "آریا" از چترال ، ضمن اظهار امتنان از ابراز احساسات برادرانه شما ، در برآوردن نظر شما سعی خواهیم نمود۰ نشریات و کاست سرودهای میهنی شاگردان مکاتب "وطن" برایتان فرستاده شد ۰ در مورد سوالاتی که طرح نموده اید در شماره‌های "پیام زن" بصورت مفصل توضیح داده شده است ، با مطالعه آنها جواب پرسش های خویشرا خواهید یافت ۰ به امید موفقیت های شما۰



←

گرانه وروه ثناله دوتانی ،

دریم لیک مو هم راورسید ۰ کوم لیکونه چی مونږ ته رسیدلی د هغه ځوابونه حتما په مجله کی خپروو۰ دمارچ په ۲۱ او ۲۲ گڼه کی ستاسو دلیك مفصل ځواب راغلی ۰

ستاسو دغوښتل شوی ځنی شیانو په باره کی باید ووایو چی د وطن دښوونځی د سرودونو او ترانو کسټ او دشهیدی خور مینا عکسونه به درته ولیږو خو دپښتو دغزلو کست نلرو۰

گرانه وروره ، تاسی کولای شی دتلفن پر ځای خپل ټول هغه مسایل چی ویل یې غواړی دلیك په ذریعه حل کړی ۰

بیاهم ستاسو دلیکونوپه انتظار۰



انقلاب خلق افغانستان و کردستان

مراد حسین یکی از دوستان کرد ما مقاله‌ای تحت عنوان "انقلاب خلق افغانستان و کردستان" برای ما فرستاده است ۰ ما ضمن تشکر ازین برادر عزیز خود قسمتهایی از مطلبش را درینجا میاوریم:

"دولت مزدور نجیب با حمایت مستقیم روسها از مدرنترین سلاحها بر ضد خلق بپاخاسته افغانستان کار گرفته روستا ها و شهر ها را با خاك یکسان نموده ۰ رژیم عراق هم بیش از ۶۵ فیصد بودجه عراق را برای ارتش اختصاص داده و این دولت خون آشام با تجاوز به کشور های همسایه مردم عراق را گرسنه ، برهنه و آواره ساخته است ۰"

....

"رژیم بنیادگرا ، مرتجع و کهنه‌پرست ایران عده‌ای از افغانها را بنام دفاع از دین مقدس اسلام در ایران پذیرفته ولی هر روز شلاقهای کین توزانه این رژیم منحوس بر پشت زحمتکشان افغانی در ایران فرود میاید ۰ این رژیم فاسد در برابر کردستان هم همیشه برخورد مزورانه و فرصت طلبانه‌ای داشته است ۰"

....

"گلبدین که یکی از مهره های سرسپرده ارتجاع است در جهت منافع باداران خود گام میگذارد و فقط به منافع آنان می اندیشد ۰۰۰۰ خلق بپاخاسته و قهرمان افغانستان تا این بنیادگرایان فاشیست رایکجا بارژیم مزدور نجیب به زباله دان تاریخ نسپارد هرگز روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید۰"



برادر محترم استاد عبدالقیوم پنجشیری از چترال ، نامه ها و اشعار ارسالی تانرا گرفتیم ۰ از همکاری تان ممنونیم۰ نشریات وکاست سرودهای میهنی "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" برایتان فرستاده شد۰ موفقیت هایتانرا آرزومندیم۰



همکار عزیز ز ۰ ح از سویدن ، خوشحالیم که بازهم نامه و شعری از شما گرفته ایم۰ قسمت هایی از شعر ارسالی تان



را در همین شماره نشر نمودیم • در مورد وجه اشتراک سالانه "پیام زن" چنانچه قبلاً تذکر داده ایم که متأسفانه در اثر مشکلات فراوان و مصروفیت های خواهران ما ، مجله بصورت منظم منتشر نمیگردد که خود نیز متاثریم• دوستان زیادی از ما وجه اشتراک نشریه راخواستار گردیده اند که بدلیل همین نقیضه نخواسته ایم قیمتی برای اشتراک تعیین نماییم• ما ضمن اظهار امتنان از احساسات شما از تمام خوانندگانی که خواهان کمک مالی گردیده اند، تقاضا مینماییم تا امداد مالی خویشرا به آدرس بانکی مابفرستند• به انتظار نامه های شما•



د اجباری واده نتیجه

زمونږ گرانی خوری او پخوانی همکاری نرگس پژمرده ،

له ډیری مودی وروسته ستاسو دمحبت نه ډک لیک او دخو تنو ټپی شوو مجاهدو عکسونه او هم یو گزارش مونږ ته ورسید• ډیره مننه•

گرانی خوری مونږ تاسو ته په بیله یو لیک درلیږلی هیله ده چی ترلاسه کړی مو وی • لیږل شوی عکسونه به په راتلونکو گڼو کی خپاره کړو • او داهم ستاسی لیږل شوی مطلب چی په ښځو باندی دظلم او تیری په سترگو لیدلی حال دی :

"یوه مظلومه ښځه چی گل جانه نومیده او دزمانی کراوونو هغه ډیره ځپلی وه داسی وویل : 'زما میړه محمد نبی د روسانو له خوا په ډیری بیرحمی سره په شهادت ورسیده زمونږ په کورنی کی دکونډی ښځی کښیناستل یو ناجایز کار بلل کیده نوهغوی زه تر فشار لاندی راوړم چی دخپل میړه وراره سید خان سره واده وکړم خو ما نه منله • زه پوهه نه وم چی دکلی دجومات ملا راغی او زمانکاح یی د سید خان سره وتړله • زما مشر زوی شیرین ته چی په عمر ۱۸ کلن وودا ظالمانه عمل ډیر گران تمام شو • لاس یی په ټوپک بوور خو په یوه سخته نښته کی شیرین ووژل شو او دکلی دوه کسان ټپیان شول • زما دوهم میړه هم بندی کړای شو او زه د خپلو پاتی څلورو بچیانو سره دکنډیتوب سختو ورځو او شپو ته کښیناستم•'

دا وه داجباری واده نتیجه• زمونږ د هیواد ښځی په څلور دیوالونو کښی حصاری او دتعلیم او پوهی نه بی برخی دی ، دنارینه و له خوا حیوانی سلوک ورسره کیږی ، د خارویو په شان خرڅول ، وهل او ټکول کیږی ، د قتلونو په بدل کی ورکول کیږی او دهر ډول انسانی حقوقو او آزادیو څخه بی برخی دی • داستونځی د ډیرو کلونو راهیسی مونږ ته په میراث پاتی دی او ددی بی عدالتی د منځه وړل هم څه آسان کارندی• ډیر کوښښ ، مبارزه او سرښندنه غواړی او دټولو بی برخو او مظلومو ښځو دیو موټی کیدو نه په غیر دخلاصون بله هیڅ لاره نشته•"





برادرارجمند نستوه از دهلی ، اولین نامه آکنده از احساسات گرم و صمیمانه شما را گرفتیم • شعر تانرا در همین شماره نشر نمودیم • از نشریات به تعدادی که خواسته اید برایتان ارسال خواهد گردید• به آرزوی ادامه همکاری های شما•



خواننده عزیز کردی "شوانی" از کویته ، انتقادات و پیشنهاداتی را که در نامه تان تذکر داده اید ، خواهیم کوشید حتی المقدور در نظر بگیریم • امید بازهم با انتقادات و نظرات تان "پیام زن" را غنا بخشید•



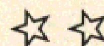
همکار گرامی هـ • ش • ف از اسلام‌آباد، سه‌نامه شما راهمزمان گرفتیم ، از اشعار ارسالی تان در "پیام زن" استفاده خواهیم نمود • با سپاسگزاری از همکاریتان خواهان ادامه آنیم•



کارکنان محترم کتابخانه "پویا" از دنمارك ، نامه تانرا بدست آوردیم نشریات خویشرا برایتان خواهیم فرستاد•به امید همکاریهای شما •



خواننده محترم احمد جاوید ازپشاور، آرزومندیم با فرستادن گزارش و مطالب با ما همکاری نمایید "پیام زن" برایتان ارسال گردید•



گردانندگان محترم جریده "دعوت" از ناروی ، از ارسال نامه تان متشکریم طبق خواست شما نشریه خویشرا برایتان ارسال خواهیم نمود • موفق باشید•



د "پښتونخواه ملی عوامی پارټی" دمرکزی سکرتریت له خوا دعبدالرحیم کلیوال په لاسلیك مونږ. ته یو لیك رالیږل شوی چی په وروستی ګڼی کی به یی په مفصله توګه دهغه ځواب ورکړو•



همکار عزیز آریه از دهلی جدید، از ارسال داستان جالب‌تان سپاسگزاریم •

بعلت تراکم مطالب نشرآنرا به شماره آینده موکول کردیم •

امیدواریم کمکهایتانرا باما کماکان ادامه دهید •



گزارشی از کردهای مقیم کویته که در رابطه با اکسیون اعتراضی شان در برابر سیاست های غیر عادلانه ملل متحد که به تاریخ ۲/ ۹/ ۱۹۹۱ در شهر کویته پاکستان براه افتاده بود، برای مارسید• چون از این حادثه مدت زیادی میگذرد لذا از نشر آن معذوریم •



←

خواهر عزیز کشمیری ما شهناز نازش عضو "جموکشمیر لبریشن فرنت" از راولپندی نامه شما را که بزبان اردو نوشته بودید گرفتیم. از احساسات گرم و بیان همبستگی تان با "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" فوق العاده ممنون و خوشحالیم و تمنیات متقابل به شما ابراز داشته، کامیابی و موفقیت مردم کشمیر را در مبارزه برحق شان برای حصول آزادی و استقلال خواهانیم. از نشریات انگلیسی و اردوی خویش برایتان فرستادیم.



"جند ابوبصیر" یا جند سیاه

برادر عزیز سید اسمعیل از پشاور، اعلامیه "جند ابوبصیر" را که فرستاده بودید برای مارسید. از همکاری تان تشکر.

تروریست های بنیادگرا فکر میکنند باپخش اعلامیه هایی ازین قبیل میتوانند خاك برچشم هموطنان ما بپاشند و با این بازی های طفلانه فکر مردم مارا از شناسایی حزب فاشیستی ایکه با تروریزمش میخواهد خود رابر مردم تحمیل کند، منحرف سازند.

حزب فاشیستی گلبدین که در پناه دستگاه استخباراتی پاکستان به ترور بهترین فرزندان ملت ما مشغول است، چه خود را "گروه مخفی" ابوبصیر بنامد یا ام بصیر، با لست های زرد و سیاه وسرخ شان دیر یا زود بعنوان جنایتکاران و خائنین به انقلاب از طرف مردم ما به دادگاه کشانیده شده و خون فرزندان رشید کشور یك بیك ازآنان حساب گرفته خواهد شد.



وهابی ها دلالان عربها

یکی از دوستان ما که نام خود را تذکر نداده گزارش مفصلی در رابطه با دلالی تعدادی از افراد سرشناس بنیادگرایان برای باداران عرب شان فرستاده اند. درین گزارش از افراد معینی چون فرید قندوزی، میرحیات اله، ابو ادریس، یاسر، حاجی بشیر، شیرزاد، قاری نظیف و قاضی نورمحمد از حزب سیاف، واحد زی، حمزه، چکری، مولوی اسمعیل از جمعیت اسلامی، مولوی کفایت اله، زاهد و تعداد زیادی از وهابی های جمیل الرحمن نام برده شده که به اعراب دلالی میکنند و همچنان از افرادی چون حبیب اله غالب، فروتن، یاسر، نور آغا از چاردهی و انجنیر بشیر یاد شده که خواهران یا دختران خود را به اعراب داده و بدون طلاق از طرف آنان رها گردیده اند.

چون ادعا های این خواننده ما از یکطرف روی دلایل و فاکت های موثقی استوار نیست و از جانب دیگر نام افراد بصورت ناقص گرفته شده لذا از نشر آن معذرت میخواهیم و ازین دوست خود تقاضا داریم تا گزارش خود را دقیقتر ساخته بعد به ما بفرستد. از همکاریش صمیمانه سپاسگزاریم.



تقدیم به تمام آسیه های پاکستان و وطن ما که بی دود و بی شعله می سوزند و می سوزند

تیغی ازخشم باید ...

درشب تیره‌ی دون
گرد بادی زشرر دور زمین می پیچید
دور کلبه سرایی که ددان روبهم انباشته بود
"تایگر" ! پاسبان شرف و داد ؟!
اشتهایش بشرف پارگی توفنده مواج
دزدی فریاد بر آورد که دزد !!
دزدان از پی دزد !!
آسیه ، زن زحمتکش و رنجور
که آهش به شباهنگ فضا تیر نواخت
حلقه‌ی دزدی دزدان ببر و دوش او شد
"تایگـر" !
در مسلخ خون
پرچم تحقیق و قضا را بقضاوت بگذاشت
دامن آسیه چاك
خون از جان و تن آسیه سنگفرش قضا را بشست
گوهر عفت او ، عصمت او
بر سر بام هوس باد بشد
آسیه قلزم اشك ، آسیه کوره‌ی آه
آسیـه !
همه آنانیکه بر مسند زور تکیه زدند "تایگر" ند
مفتی و قاضی همه "تایگر"ند .

این طرف کن نظری !

وادیِ من که در آن ، گل خون کاشته اند
ختمی و میخك و نسرین و گلاب
همه بر چیده و برداشته اند
هر نفس "تایگر"ی از بیشه برون می آید
هر نفس گوهری از عفت شبتاب مرا می دزدد
گوش کن ! گوش
من و تو تا که درین دخمه‌ی تار
بهر انسان شدن !
تیغ خشمی ز زبر کرده نیام
نکشائیم
عفت ما ، عصمت ما ، همت ما ، شأن ما ، شوکت ما
همه لولیده و برباد روند .



آسیه "ایوب" پس از آنکه در محکمه زیر فشار خردکننده و شدید روانی ، بیهوش شد و بزمین افتاد ، توسط اقارب در مانده اش از آنجا خارج ساخته میشود.

آسیه "ایوب" یکی از زنان مظلوم راولپندی در ماه اکتوبر بـه اتهام دزدی تـوسط پولیس دستگیر و بـه ماموریت برده میشود. سر مامور پولیس کـه معروف به "تـایگر" است او را بـه باد توهین و تحقیر گرفته و مورد تجاوز قرار میدهـد. مردم محله این جنایات شرم آور پولیس را به محکمه میکشانند ولی چیزیکـه هرگز تصور آن نمیرفت به واقعیت پیوست ، "تایگر" با اعزاز و اکرام تمام برائت حاصل کرد. و البته روشن است که از هیچ ملا و مولوی ای به اصطلاح عالم دین صدای اعتراضی برنخاست.

همچنان در ماه دسمبر در کراچی فرحانـه حیات دختر سردار شوکت حیات ایکی از همکاران قائد اعظم) بتحـریك حکام معینی از ایالت سـند مـورد تجاوز قرار گرفت ولـی تا هنـوز حتی به دستگیری متهمان اقدامی صورت نگرفته است.

ما در خـون اشك هر دو خواهر خـود سیمای هزاران مادر و خواهر خود را می بینیم که قربانی بی ناموسیهای بنیادگرایان و باداران عربی شان و وطنفروشان شده اند.



بیناحیات (نفر سوم از چپ) خواهر فرحانه حیات باعده‌ای از ر[illegible]ن "اتحاد دمکراتیك خلق" در حال اعتصاب غذایی مقابل پارلمان در اسلام آباد علیه بی تفاوت ماندن دولت نسبت به قضایای مربوط تجاوز به زنان.

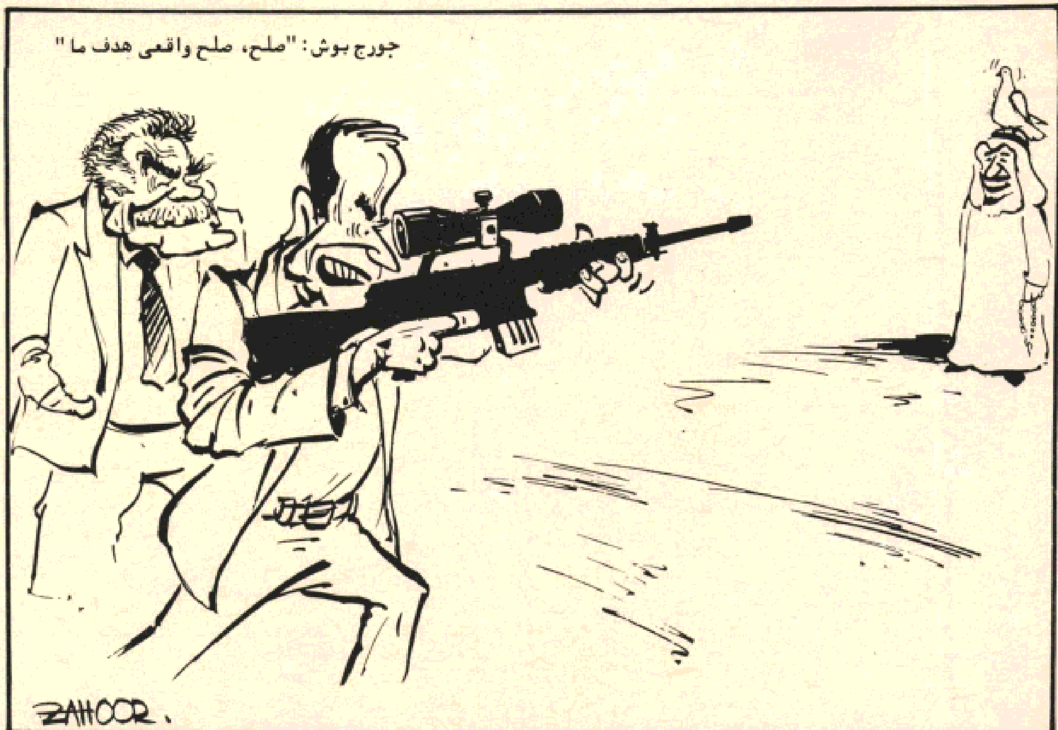
یا مرگ یا دموکراسی!

کشور مابشمار میرود. باید در برابر این توطئه ها کاملا هشیار بود.

یلتسین و رهبران جمهوری های مسلمان روسیه که تا دیروز به هر خیانت در برابر مردم خود و نیز تجاوزننگین به افغانستان مشغول بودند ، امروز میخواهند زیر نام "مبارزه ضد کمونیستی" با فاشیزم پیچیده در زرورق "اقتصاد بازار آزاد" و زرورق "اسلامی" به میدان آیند. اینکه مردم کشور های مذکور در مقابل این عوامفریبان تازه بدوران رسیده چه خواهند کرد مربوط به خود آنان است . اما تا جائیکه مسئله به ما ارتباط میگیرد ، مردم ما یقینا هر دستی را چه از کشور غیر مسلمان و چه مسلمان که بنحوی از انحاً بمنظور پرورش گلبدین و امثالش دراز شود بیرحمانه قطع خواهد کرد.

در جنگ ضد روسی شعار عوام و کلیه نیروهای دمکراتیك به درستی عبارت بود از یا مرگ یا آزادی ! و پس از واژگونی رژیم پوشالی ، بگذار این شعار خروشان پشت تمام بنیادگرایان گلبدینی و سایر دشمنان دموکراسی و رهایی زن را بلرزاند که:

یا مرگ یا دموکراسی!



کارتون از دی فرنتیر پست

دګنړو نو وروستنۍ ...

۴ ـ ټوله وسله او مهمات چې په غنیمت نیول کیږي د هغه چا دي چې په غنیمت یې نیولي وي .

۵ ـ په‌آینده کې باید کنړ دهغه شورا په وسیله اداره شي چې دټولو تنظیمونو لخوا جوړه شوي وي .

په شلم د اګست جګړه شروع شوه . ملك میران دخپلو قوتونو سره په سرکاڼو حمله وکړه. کشمیرخان د درندو وسلو سره چغه سرای د اور لاندې ونیو. انجنییر غفار دجلال آباد او ناصر دلغمان (دحزب اسلامي قوماندانان) نه چغه سرای ته نفر داخل کړه . په څو ورځو کې سرکاڼو او ناوه پاس دحزب اسلامي لاس ته ور غلل . وروسته دعربو غونډ په سالارباغ کې د ۵ پایه ۱۲ ـ BM، سکر ۲۰ توپونو ، ۱۲۲ ملي متري هاوانونو او دوه دستګاه ټانکونو په وسیله ترحملې لاندې نیول کیږي . د عربو په تښتیدلو سره داځای خالي او حزب اسلامي په هغه برلاسه کیږي . د سرکاڼو نه په غیر چې دملك میران په وسیله نیول شوي وو، نوري ټولي سیمې د انجنییر غفاراو ناصر قوتونو په لاس کې لویږي .

حزب اسلامي وکولای شو چې دلغمان او جلال آباد نه دخپلو قوتونو په راټولولو سره څو مهمې سیمې ترلاسه کړي هغه کار چې وهابیانو اصلاً په حساب کې نه وو نیولي . ولې بیا هم دبابړ تنګی ، باډیګل او دیوګل دري د وهابیانو قوماندان جاندادپه لاس کې پاتې شوي چې کولای یې شو دهغه ځای نه حزب په ښه توګه تر تهدید لاندې ونیسي.

د سرکاڼو دنیولو نه وروسته د ملك میران او دحزب اسلامي ځواکونو په منځ کې د وسلې او مهماتو دویشلو په سراختلافات پیدا شول چې تر آخره حل نشو. د وهابیانو دماتې په دوران کې په خپله مولوي حسین (جمیل الرحمن) داګست په دیرشمه په باجوړ کې د یوتن مصري عرب عبداله نومي له خوا ووژل شو. ددې وژلو علت په ښه توګه ښکاره نشو چې آیا داعرب اخواني وواو دا طرح د اخوانیانو له پلوه جوړه شوې وه ؟ او یا داعرب وهابي وو اوعربي وهابیان دهغوی د ماتې نه په غصه شوي وو؟ او یا دا چې عربانو د جګړې په دوران کې خپل وطنوال مړه لیدلي او عصباني شوي وو؟

د پاکستان استخباراتي دستګاه(ISI) د جګړې په دوران کې په بشپړه توګه د حزب پلوي کوله . د مولوي حسین د مرګ نه وروسته ، اوضاع بل شکل وموند. دنورو تنظیمونو قوماندانانو چې په دواړو جګړو کې یې کهون نونګړې او اوس یې ولیدل چې وهابیان ناکام او رهبر یې مړ شوي دي او ځنګه چې دي تنظیمونو د حزب اسلامي نه هم ډیره کرکه درلوده نو نه یې غوښتل چې حزب په کنړ کې برلاسه شي . دحزب اسلامي د خالص ګوند یوتن قوماندان دحزب اسلامي بریکوټ غونډ قوماندان ته وویل : " اوس وهابیانو مونږ ټول یې په

←

مخه کړی یو او مونږ مجبوریو سره یوځای شو ولی په یاد ولری چی دافغانستان دخلکو جګړه ستاسو د حزب سوه په خپل ځای پاتی ده."

عربو زیاتی پیسی وهابیانو ته ورکړی، دکعبی امام په کنړ کی د بیا سولی لپاره پاکستان ته راغی خوبی له کومی نتیجی بیرته ستون شو ځکه حزبیانو نه غوښتل چی وهابیانو سره بیا جوړه وکړی ۰ وهابیان لاس پکار شول او دځینو نورو تنظیمونو قوماندانان بی په پیسو واخستل۰ دجلال آباد او لغمان حزبیان دخپلو قوتونو په کنړ کی دپاتی کیدلو او ځینی سیمه‌ایزو مسایلو نه په تنګ راغلی وو۰ او په ضمن کی دوی ونشو کړای چی د قوماندانانو شورا جوړه کړی ځکه قوماندانانو دلغمان او کنړ دحزبیانو موجودیت ډیر بد لیدو ۰

د جګړی په دوران کی (ISI) په ظاهره ابلاغ کړیوه چی چمتو ندی تنظیمونو ته د مهماتو د انتقالولو اجازه دجبهی د شانه د کنړ دننه ته ورکړی ځکه پدی جګړه تودیږی ۰ ولی د وهابیانو په واسطه د چغه سرای دنیولو وروسته (ISI) دحزب اسلامی اوملس لاری مهمات د باجوړ او دیر له لاری بی شیګل او ناوه پاس ته ولیږی ۰که څه هم حزبیانو په چغه سرای او سرکاڼو کی ماته وخوړله ولی تر اوسه دنورو تنظیمونو د قوماندانانو پایګاوی په چغه سرای کی نشته ۰ ځکه څو ورځی وروسته د حزب اسلامی حملی بیا په چغه سرای پیل شوی او چغه سرای په یوه جنګی او نا امنی سیمه بدله شوه ۰

د مولوی حسین له مرګ وروسته مولوی سمیع اله چی د جلال آباد دی د وهابیانو د مشر په حیث وټاکل شو او ترهغه ځای چی مهمات او امکانات او ټول کارونه دمولوی حسین دکورنی د غړو او صافیانو په لاس وو نو اوس د رهبری په سر ددوی په منځ کی د اختلافاتو پیدا کیدلو امکان ډیر دی او په دی هکله ځنی ګونګوسی هم اوریدل کیږی۰

دا چی د جګړی په دوران کی به څومره کسه مړه وی په ښه توګه ښکاره نده ولی د کنړ خلکو د داسی جګړی شدت د روسانو په وخت کی هم نه‌وولیدلی ۰ خو په هرحال وژنه په کبنی ډیره وه۰ پدی پرله پسی جګړو کی په میلیونونو پیسی مصرفی شوی دی چی دحدس او دګمان نه زیاتی دی ۰(ISI) کوښښ کوی چی دوهابیانو رهبری په خپل زړه جوړه کړی او شواهدو نه داسی ښکاری چی وهابیان د نورو پاکستانی مقاماتو سره هم تماس لری ۰ هر وخت چی وهابیان د(ISI) مطیع شول نو ددواړو مخالفو ځواکونو د سولی پروسه هم آسانیږی ۰ ولی په هرحال (ISI)تر سمیع اله نه زیاتره د ګلبدین خریداران دی۰ دکنړپه جګړی کی دقدرت کشمکش دی چی شاته یی پاکستان او عربان ولاړ دی او پدی دوران کی بیګناه خلك وژل کیږی ۰هغه ځمکی، پولونه اوسړکونه چی د ۱۳ کلنی جګړی نه تقریباً سلامته پاتی شوی وو دوهابیانو او اخوانیانو د جګړی په دوران کی دتورو خاورو سره برابر شو ۰

پاتی په ۲۹ مخ

زنان داغدیده وطن، بخاطر

گزارشی از مکتب . . .

و غیره میرسند • ساعت ۶ دوباره در صحن مکتب جمع شده به ورزش میپردازند• بعد برای نیم ساعت مشغول تفریح و بازی خود میشوند • ساعت ۷ شام نان شب آماده است و شاگردان بعد از صرف غذا به کارهای خود مثلا، نوشتن ، مطالعه، مشاعره و سایر مصروفیت های دماغی میپردازند•ساعت ده شب همه به بسترهای خود رفته میخوابند•

بخاطر رسیدگی بهتر به وضع صحی، نظم و نظافت و سیستم غذایی شان معلم لیلیه موظف است که شب و روز یکجا بادختران به پاککاری صنف ها ، صحن مکتب ، اتاق های خواب و تشناب هاپردازند• بسترهای خواب هر پانزده روز یکبار تبدیل میشوند• به حمام ، شستشو و تبدیل لباس شاگردان توجه جدی میشود • علاوه از آشپز که به پخت وپز رسیدگی میکند معلم لیلیه با دوتن از شاگردان به نوبت موظف اند تا به نظم و نظافت آشپزخانه رسیدگی کنند همچنان همین دو نفر در تهیه نان چاشت و شب وشستشوی ظروف باآشپز کمك میکنند• هدف ازین کار اینست تا شاگردان به کار دستجمعی عادت بگیرند و در جریان آن با کار آشنا شوند، در ضمن از تنبلی آنان جلوگیری شود و از همه مهمتر احساس مسئولیت نمایند که اگردر جمع دیگران زندگی میکنند باید درانجام تمام کار ها پیشقدم باشند•

علاوه بر این در طول سال شاگردان در وقفه های معین سال جهت رفع خستگی به تفریحگاههای شهر میروند همچنان در داخل

←



عده ای از شاگردان مکتب " وطن " در حال اجرای سرود

دفاع از حقوق تان متحد شوید

مکتب بـه مشاعره ، دایر کردن کنفرانسها ، مسابقـات ذهنی ، مسابقـه سـرود خـوانی و اجرای پارچه های تمثیلی میپردازند.

روز های جمعه تعطیل بوده کـه معمولا همه به نظافت خود میرسند علاوتا دیدن فلم های آموزنده ویدیویی از مصروفیت های روز جمعه آنان است .

شاگردان در زمینه صحی دچار هیچگونه مشکلاتی نیستنـد. کسانیکـه مـریض میشونـد بفوریت به شفاخانه ملالی که مربوط "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" است انتقال داده شده و تحت مداوا قرار میگیرنـد . همچنان بـه واکسین بـه موقع شاگـردان و قـرنطین مریضان ساری جدا توجه میشود .

علاوتا در سالون غذا خوری شاگردان هر پانزده روز یکبار جلسه ای دارند به شرکت یکتن از معلمین مکتب کـه طی آن انتقادات و پیشنهـادات خـود را مطـرح میکننـد و باینصورت به همـه مشکلات و مسایل شاگردان رسیدگی میشود در ضمـن آنان میاموزنـد که در زنـدگی جمعـی بـایـد مسئولانـه بـرای بهبود کار ها فکر کنند و برای رفع موانع و کمبودها پیشنهاداتی ارائه دهند.

مکتب دختران از صنف اول تا صنف ششم شاگـرد دارد و تا حـال دههـا نفـر ازین مکتب فـارغ و در کـورسهـای سطح عالیتـری تنظیم شده اند و تعدادی هم مصروف کارهای عملی اند .

مضامین صنف اول الی سوم شامل حساب، دری ، پشتو، علوم دینی ، رسم، مشق ، شعر و ترانـه و سپورت بـوده و صنف چارم تا ششم علاوه از مضامین فـوق جغرافیـه، تاریخ، کیمیا ، فزیك ، بیولوژی ، سیاست ، هندسه و ریاضی میخوانند .

بـرای بلنـد بـردن مـورال و جـرئت شاگردان و بـرای اینکه بتواننـد درآینده به سخنـرانی آشنایی ابتـدایی حاصل کنند، طی محافلی به سخنرانی وخوانـدن سرود هـا و اشعار میپردازند.

شاگردان برای روز های تاریخی مثلا ۷ ثور کـودتای مزدوران خلق و پرچم، ۶ جـدی اشغـال کشور بـوسیله روسهـا ، ۸ مـارچ روز جهانی زن ، ۴ فبروری گرامیداشت روز شهادت مینـا رهبـر و بنیانگـذار" جمعیت انقلابی زنان افغانستان" واول مه روز جهانی کارگر محافلی دارنـد که با سخنـرانی ها ، اجرای سرودهاو ترانهها ، دکلمه اشعار، پارچه های تمثیلی و غیره برگزار میگردد.

معلمیـن همیشـه میکوشنـد تا روحیـه شاداب و انقلابی ، از خـود گذری و متانت، صداقت و اخلاق شایسته رادر شاگردان بارور سازنـد .

یکـی از مشکـلات اسـاسی ایـن مکتـب کمبـود جـای ، وسـایـل و مـواد درسـی و لبراتوار است که همه اش رابطه میگیرد به مسایل مالی کـه متاسفانـه "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" دریـن زمینـه در تنگنا قـرار دارد و بـه همیـن دلیـل با آنکـه مراجعین زیاد اند نمیتوانـد این مکتب را گسترش دهد. بنابر مشکلات فراوان مالی بود کـه دوسـال قبـل لیسـه پسـران تعطیـل

بقیه در صفحه ۷۲

مبارزو خویندو !

وتړی ملا د آزادی په نوم د پت خورکانو

دستر ملت خورکانو

ددی ملت آواز یاست دانقلاب آغاز یاست

دوطن جنګ کی دوطن وکړی خدمت خورکانو

دسترملت خورگانو

ددی هیوادا و لادیاست دانقلاب او لادیاست

واخلی بیرغ دخپلواکی کړی راوچت خورگانو

دسترملت خورکانو

تاسوتل ولس ویښ کړی تل مو غلیم مات کړی

مات کړی زنځیرداستعمارپخپل غیرت خورکانو

دسترملت خورکانو

دآزادي په مینه د خپلواکي په مینه

ټوپك راوچت کړی په اوړودشهامت خورکانو

دسترملت خورکانو

دارنځ کاللی ملت داجنګ ځپلی ملت

تاسونه غواړی آزادی ، سوله وحدت خورکانو

دستر ملت خورکانو

جونی ځوانان رایوکړی افغانستان رایو کړی

مینا ملالی وارثان شی په جرئت خورکانو

دسترملت خورکانو

نمونه‌ای از مقاله های شاگردان مکتب "وطن"

د "راوا" هدف څه دی؟

موږ باید پوه شو او پوهیږو چه دې جمعیت ته د څه لپاره راغلي یو او هم باید پوه شو چه د دې جمعیت هدف څه دی؟

اول باید ووایم چه په افغانستان کې یواځې د ښځو انقلابي جمعیت دی چه ښځې کوښښ کوي شي خپل حقوق ترلاسه راوړلو د پاره خپلې ملي ملي او مبارزې ته دوام ورکړي. او د نورو ښځو د ښځو د آزادۍ په لاره کې خپل تاریخي رسالت سر ته ورسوي.

دا جمعیت په لومړي ګام کې د ښځو، پیغلو او کوچنیو د تعلیم او تربیې په لاره کې ډیر کوښښ کړی ترڅو د کوچنی، پیغلې او ښځې وکولی شي د علم او د پوهې په رڼا کې د مبارزې لار د افغانستان د دردیدلو ښځو خلاصون او ... ته د رسیدلو په خاطر روښانه کړي یعنې دا چه له پوهې او روزنې برخه هیڅ خوک هیڅ لاری ښځې ناګهې بې موږ باید د خپل انقلابي جمعیت د هدف څخه خبر کړو. زموږ د ښځو انقلابي جمعیت هدف دا دی چه په لومړي قدم کې خپلو زده کړو ته ډیر زیات دقت وکړو. زموږ زورېدلې ښځو راسېدلې سختۍ یواځې او یواځې موږ ته راښیي. موږ باید د ټولو ښځو د دردونو او کړاوونو څخه خبر کړو. موږ باید د ښځو د آزادۍ د پاره هر ډول هڅه ښندنه او فداکارۍ ته چمتو او هڅه زموږ څخه باید داسې انقلابي پیغلې جوړې شي چه د ټولو وطنوالو او مخصوصاً ښځې ته د خدمت مصدر وګرځو.

هر ډول وي د کابل د لومړۍ وزیسم

ژوندۍ دې وي د ښځو انقلابي جمعیت!

لومړ - عاقله
ټولګی - پنځم

هدیه ای از دوستان کردی ما

مدتی قبل کارکنان مجله "کلاوروژنه" (نشریه کردهای مبارز مقیم کویته) هدیه ارزشمندی را به "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" تقدیم نموده اند که درآن پیکره شهید مینا روی صفحه گچی بصورت برجسته تراشکاری شده است . بدینوسیله با قدردانی از احساسات صمیمانه این خواهران و برادران کردی از دریافت هدیه شان سپاسگزاری میکنیم.



بدون مبارزه علیه فاشیزم بنیادگرایی مبارزه

شعر، "خنجری بر حنجره

برای شوروی و سگهایش راپذیرا شدند.

اعظم رهنورد زریاب هم درین قماش جا میگیرد باآنکه ازاول آلودگی دمسازی "ادبی" را با احزاب پرچم و خلق داشته است و در حال حاضر با همدستی عناصری مشکوکتر از خودش خواسته در نقش "اپوزیسیون" نجیب خان، یکی از دهها مجمع میهنفروشان برای روز مبادا باشد.

سرشناسترین شاعری که خود را بی محابا به بنیادگرایان فروخت مضطرب باختری است. با آنکه وی مدتها قبل از مبارزه گریخته بود ولی تصور میشد که اگر به مقاومت نپیوندد لااقل به خفت ترجمانی و شعرسازی برای بنیادگرایان تن نخواهد سپرد.

مردم بر جبین شاعران مذکور چلیپایی زده اند و نشان از روزیست که اینان در کنارصاحبان رژیمی و بنیادگرای خود در دادگاه سختگیر تاریخ و توده هامحکوم شدنی اند.

علاوتاًباید از دو گروه دیگر یاد کرد یکی شاعران نام نهاد یا در واقع همان " ماعران " که هرچند مثل سهیلی وحمیدی شما بظاهر" اشک معشوق" نمی ریزند ولی در سطحی بسیار نازلتر از آنان جرأت ارائه چیزهای ماورای مبتذل را بنام "شعر" دارند. نشریات بنیادگرایان پر از اینگونه خیانتهای ادبی و هنری است. <۱>

و دیگری شاعران بی جبهه، وامانده و فراری. برخی از اینان اگرچه در بیمایگی دست کمی از گروه


لوسون

"آنها به من حمله کردند اما در واقع حملات شان آنقدر سخیف بود که بعدا اصلا نتوانستم به آنها علاقه بگیرم و موردی برای ضد حمله نمیدیدم زیرا دریافتم که انتقاد چیان از "تاکتیك شهر خالی" انتقاد میکنند ...."

اول ندارند معذالك از نظر سیاسی مخالف بنیادگرایان اند. سلسله جنبانان اینان تا چند سال قبل شعر را همچون حربه‌ای بر دست و دل داشتند ولی آنگاه که مکارانه به مبارزه انقلابی پشت کردند و "دل شکسته" یعنی بی ایمان شدند طبیعتاً شعر شان بسبب

←

برای آزادی و دموکراسی بی معنی است

زرد رنگی و سرسائیدن " بپای سپید" و مست شدن از " شراب نگاه" <۲> عشقك منحط خصوصی ، نمیتوانست از اوجی سرخ به این ذلت و پوکی و بی ارزشی سقوط نکند . زیرا که اینان (هرچند در کشور بسر نبرده و در امریکا یا اروپا کیف میکنند) در افغانستان ، بقول م.آزرم در" محله شهدا" ی بسختی ویران و نالان از زخم های اشغال ، بقایای آن و بنیادگرایان ، ندای تسلیم ، ارتداد و یا سوز و گداز ناکامی ها و هوسهای جنسی را سر میدهند.

البته غزلی هم میتواند مملو از

و ... هم بقوت جایش را باز کرده است. اگر کارنامه زندگی آفریننده‌ی اثری هنری و ادبی حکایت از بی جبهه بودن ، فرصت طلبی و همدستی بهر اسم و رسمی با آنکه و آنچه با عفن ارتجاع و ضدیت با مردم اندود بوده یاهست ، کند ، دیگر کارش هم پذیرفتنی نبوده و آن اعطایش را به لقایش خواهند بخشید. <۳> شاید این اعتقادی محکم به مضمون آن تعریفی سزاوار و دقیق درباره صمد بهرنگی را برساند که " شاهکاراصلی او زندگیش بود." <۴> اگر شاعر فرزند خلف و نجیب خلقش باشد

آیا میتوان با پیکارشکنی و پشت کردن به "جبهه شمشیر" چیزی بیش از دون کیشوتهای "جبهه قلم" و "اردوبی فرهنگی" بشمار رفت ؟ آیا "قتقتك" دادن ملتی عزادار را جز رذالتی بیشرمانه چه میتوان نامید؟

عشق به والاترین ارزشهای انسانی باشد ولی باید تشخیص کرد که این یاآن شعر برای آنگونه عشق هاست یا پرده‌ی ساتری برای کتمان سستی بیان و زبونی عشقش، التهاب و بیقراری از"شراب نگاه" ، "پای مرمرین" و ..."یار دل آزار" حقیر تر از خود شاعر؟

مضاف بر آنچه گفتیم ، بین هنر دوستان و روبهمرفته مردم ما بخصوص در دهه اخیر در سنجش یك اثر هنری غیر از دو معیار سیاسی و هنری عامل شخصیت واقعی شاعر ، نویسنده ، نقاش

شعرش بیگمان نشان گلگون جگر مجروح خلق در ستیز را بر قلب و قامتش حمل میکند در غیر آن شعر رها از آلام، تلاش و آرزو های مردم، شعری بی ریشه و بی خاصیت و بی نسب ، شعری حرامزاده است و لابد گوینده اش . شخصیت شاعر اصیل ایران و افغانستان امروز بنابه گفته ای باید باآتش رهایی "پرومته"ای شعلمور باشد.

کجا دیده شده از هنرمندی فارغبال ، سازشکار یا جدا از پیکار

←

مردم بدیده نفرت مینگرند در فردای آزادی حتماً به محاکمه خواهند کشید.

هنگامیکه بر سر خلقی سرب داغ و آهن و پولاد میبارد باید که بقول هوشی مینه " شعر از آهن و پولاد باشد" تا آتش استواری در ادامه مبارزه و امید به پیروزی را در خلق فروزان نگه دارد .

و زمانیکه چنین نبوده، و شعر بسان دشنه در دل دشمن فرو نمیرفته، پس شاعر که بر عزت و اعتبار خود ارج مینهاد همچون شاملو از آن "احساس شرمساری" <۱۰> میکند. و حتی فریدون مشیری در جمعی که باعطش شنیدن اشعاری با پیام توفان و نبرد و خوشبینی به آینده گردآمده اند حاضرنمیشود شعر بی اهمیت عاشقانه اشرابخواند. <۱۱>

در موارد بالا شاملو و مشیری در واقع به مخاطبین و سمت حرکت توده ها توجه داشتند . آن دو آگاه بودند که به گفته مائو:

" افکار و احساسات نویسندگان و هنرمندان ما باید با افکار و احساسات توده های وسیع درهم آمیزد . برای این آمیختگی باید مجدانه زبان توده ها را آموخت . اگر قسمت عمده زبان توده ها بر شما نامفهوم باشد ، چگونه میتوانید از آفرینش ادبی و هنری سخن بگوئید ؟ وقتی که من از " قهرمانانی که برایشان میدان نیست هنر خود را نمایش دهند" صحبت میکنم منظورم اینست که توده ها به سخنرانیهای غرای شما ارزش نمیگذارند . شما هرچه بیشتر خود تانرا پر تجربه و باسابقه جلوه دهید ، هرچه بیشتر قیافه "قهرمان" بخود بگیرید و هرچه بیشتر در آب کردن کالا های خود تلاش کنید، تودهها ازخرید آن بیشتر انزجار خواهند یافت ."

هنگامیکه بر سر خلقی سرب داغ و آهن و پولاد میبارد باید که بقول هوشی مینه "شعر از آهن و پولاد باشد" تاآتش استواری در ادامه مبارزه و امید به پیروزی را در خلق فروزان نگه دارد.

شاعر متعهد نه در برج عاج خویش بسر میبرد و نه "غور و تفحص" در درون خود و سودایی شدن بخاطر عشق به یك فرد را رسالت خویش قرار میدهد. او با الکسی تولستوی موافق است که: " وظیفه هنرمند .... عبارتست از بر گرفتن آنچه از واقعیت که خلق آنرا در اولین نگاه میبیند، جمعاوری حقایق، افکار و تضاد ها در تصویری زنده ، و نمایاندن سمتی صحیح که به آینده ای تابناك میانجامد ."

واکنون زهرا جان ، پس از این کلیات که امید تا حدی مزنه‌ای جهت

←

شناخت خودت از چگونگی برداشت و چشمداشت ما از شعر وشاعر ارائه نموده باشد، مجموعه "میلاد" را منحیث مطلقاً شعر دوستان بی ادعا و نه بیش ، در برابر خود داریم و تنها با آوردن سوالاتی میکوشیم نظر خود را نسبت به آن وضاحت بخشیم · امامکرراً با احساسات و اگر لازم باشد بگذار بگوئیم با افتخار اعلام میکنیم که ما هنوز مثلاً " اگر ای مرك نامرد به شلاق سکوت ـ بشکنی برلب من قصه گویای امید " رابسیار دوست میداریم و بر لبان ما جاریست ؛ از نادر پورعمدتاً " شعر انگور" ش را ؛ از حمید مصدق منظومه "آبی ،خاکستری ، سیاه" و از فروغ " کسی میاید" و چند شعر صرفاً مجموعه "تولدی دیگر" اشرا وهذاالقیاس· سیاوش کسرایی راهم دوست میداشتیم اما زمانیکه وابستگی اشرا به حزب احسان طبری حزب شش قاته خاین توده فهمیدیم ، برای ما مرد بی هیچ درود و دریغی ·

ما ولی خود را فروتنانه همرنجان خسرو گلسرخی ها و سعید سلطانپور ها میدانیم · اینان تمامی فر و شکوه آن قهرمانان ارجمندی را داشتند که نه تنها زیبایی و جلال پیشروی تاریخ را با عشق و ایمان سرودند بلکه با پافشاری حماسی و تابه آخر برسر عزم و آرمان و نثار بی پروای خون شان ، تاریخ را با جان خود نوشتند·

ما بنوبه خود گرامیداشت ، احترام و ارجگذاری عمیق و بدون چون و چرا به آنان را معیار سنجش بار مردمی شخصیت و کار هر هنرمند آشنا به آنان و نظایر شان میدانیم · پس اجازه بده زهرا جان همینجا بلافاصله بپرسیم:

۱) چگونه است که مثلاً شاملو از شنیدن خبر اعدام یا با یاد ارانی ها، وارطان ها، مرتضی ها، آبایی ها، پویان ها و مبارزان شهید در هر نقطه دنیا ،دگرگون شده و برزگترین ،شعله خیزترین و درخشانترین اشعارش در وی سروده میشوند ، اما "میلاد" بیگانه از این حرفها، خالی از هر سرود و سوگندیست به نام آن چکیده های غرور و شرف مردم ایران و انسانیت ؟؟

···· ما ولی خود را فروتنانه همرنجان خسرو گلسرخی هاو سعید سلطانپور ها میدانیم· اینان تمامی فر وشکوه آن قهرمانان ارجمندی را داشتند که‌نه تنها زیبایی و جلال پیشروی تاریخ را با عشق و ایمان سرودند بلکه با پافشاری حماسی و تابه آخر برسر عزم و آرمان و نثار بی پروای خون شان ، تاریخ را با جان خود نوشتند·

←

خودت که زن هم هستی توجه داری از کجایی ؟ از دیاری که سیزده سال است جانیان منحوس پر عقده‌ی جاهل بر جسم و روان چهل و پنج ملیون هموطن اسیرت چنگ انداخته ، با اعدام دختران چهارده‌ساله و ریختن خون سعید سلطانپور ها و بهرام راد ها و صد ها گل مباهات خلقت ، بر دستی تسبیح ،بردست دیگر ماشیندار، بدمستی میکنند ؛ در کشورما و دیگر نقاط مزدوران کثیف پرورانده و جنگ مذهبی را دامن میزنند ؛ با اکت و قیافه گیری تهوع آور " انقلابی" و "ضد۔امپریالیستی " بر انقلاب فلسطین از پشت خنجر زده و با در پیشگرفتن سیاست تروریزم دولتی خواهی نخواهی سیمای کل ملت ایران را در دنیا مکدر میسازند ۰۰۰۰ وحشتکده‌ای که فاشیستهای حاکمش همچون سگان شکاری دهانت را میبویند و قلبت را میشکافند تا مبادااز حقیقت و عشق آزادی سخن گفته باشی ۰ <۱۲>

و ۰۰۰۰ آخ چقدر باید گفت که از چه دیاری زهرا جان !

وچه شگفت و بر درد است منسوب بودن شاعری به آنگونه سرزمینی جهنمی شده از استیلای فاشیستها ، " اژدهای با خط و خال " دینی <۱۳> ولیکن هنوز شعرش "خنجری بر حنجره دژخیمان" نبودن !

کدام شعر "میلاد" بر جلادانی که "اره بر کیسویت میدارند و تبر بر تارکت" <۱۴> ، آزاری محسوب شده میتواند ؟

با خواندن کدام سطراز "میلاد" ، کارگر ، دهقان یا روشنفکر آزادیخواه



شاملو

بگذار شعر ما وتو
باشد
تصویر کار چهرهٔ پایان پذیر ها :
تصویر کار سرخیِ لب های دختران
تصویر کار سرخی زخم برادران !
و نیز شعر من
یك بار لااقل
تصویر کار واقعی چهرهٔ شما
دلقکان
دریوزگان
"شاعران" !

از "برای خون و ماتیك"

ایران به وجد و هیجان آمده و قلبش با قلب سراینده آن پیوند خواهد خورد؟

" میلاد" هیچ دردی از "درد های شهر و دیارش را فریاد" <۱۵> نمیکند۰

۲) اگر شعر میباید صدای پرتوان زمان و حامل تزلزل ناپذیر و پیگیر

←

عشق و نفرت مقدس شاعر در برابر هر نیکی و زشتی پیرامونش باشد، اگر "امروز شعر، حربه خلق" باید باشد ونه "بیگانه با دردهای مشترك خلق"، <۱۶> اگر شعر در چنین ملك و دنیایی جز با "قافیه خون، با کلمه انسان و با مارش فردا" <۱۷> ارزشی نمیتواند داشته باشد؛ اگر صحیح است که گلسرخی آنچنان صریح، نافذ، ژرف و دلنشین سرود:

"باید که درد رابشناسیم
وقتی دختر رحمان
با تب دوساعته میمیرد"

و آخر هم جانش راهمانند هر هنرمند صادق و انقلابی در راه انتقام "دختر رحمان" ها قهرمانانه فدا کرد، و اگر میدانیم و سرمشق باید باشد که لوسیون نویسنده وشاعر نامدار چینی لحظه‌ای خود و آثارش را از متن وقایع دورانش جدا نساخت، زندگی و استعدادش را یکسره در خدمت نبرد مردم گذارده بود و به گفته‌ی پروفیسر وانگ یائو "اشعار لوسیون ... صرفنظر ازینکه مضمون آنها چه باشد، نمایانگر آرمانهای مبارزی بزرگ بود. حتی شعر های راجع به زن و پسرش نیز بیان صرفاً احساسات خانوادگی نه بلکه مظهر محبت بین همرزمان بحساب میروند." <۱۸>

و خواست و احساس آتشین بوتف <۱۹> نیز نظیر شاندورپتوفی جز این نیست که:

"شایدهنگامی که جوان هستم بمیرم
اما جز این آرزویی ندارم
اگر روزی مردم بگویند:
این مرد در راه آوردن عدالت مرد
اوبخاطرعدالت وآزادی جان داد..."
و اگر ....

لازم است بیشتر ازین مثالها آورد ؟

پس بازهم، کدام شعر "میلاد" در اعتراضی ولو رقیق علیه جنایات هولناك روزانه دولت سروده شده است ؟ کدام یك آن محصول انعکاس لااقل گوشه‌ای از آنچه است که بر توده ها (این یگانه ترین و غنی ترین سرچشمه خلاقیت واقعی) میرود ؟ کدام تجربه های فردی، هنرمندانه تعمیم یافته و بصورت تجربه عمومی درآمده که سرانجام فریاد گر "دردهای مشترك خلق" ایران باشد؟

واگرمسئولانه و شرافتمندانه است که شعرامروز باید" دار" باشد، کدام شاعر خاین یا حاکم جنایتکار بر"دار شعر" این مجموعه "آونگ" شده است ؟ <۲۰> اگر هیچ ، پس " وجود آن اثر ندارد ، بود و نبودش فرقی ندارد" چونکه " آنرا به جای دار نمیشد بکار برد." <۲۱>

۳) در "میلاد" فراوان تمثیل و سمبول آمده که راستش معنی سطور زیادی در آنرا نتوانستیم بفهمیم. چرا؟ به دلیل نداشتن به اصطلاح

←

فرهنگ شعری ؟ شاید۰ ولی حقیقت اینست که به زبان اسماعیل خوبی " شعر خوب ، مثل دیدن عریان است ۰" شعر خوب ، شعری که آئینه‌ی بی غبار رنج و آرزو و پیروزی ، پیکار و سلحشوری مردم بشمار رود، هرچند بمنظور عقیم گذاردن قیچی سانسور در روزگار سیاه و پلیسی با هزار استعاره همراه باشد ، شتابان راهش را پوئیده و خود را سریع و سهل بر زبان خلق جاری میسازد۰ مهم اینست که بر پایه ضرورت از سمبولهاو تشبیهات باید بجا ، با قدرت ، دقت و هوشمندی استفاده شود که بدینترتیب انتخاب آنها در شعر نه زورکی ، تصنعی و بیقواره بلکه بصورت جز لاینفك ذات شعر در میاید۰ آیامیتوان بطور مثال ازیك شعر شاملو سمبولی را تعویض کرد بدون آنکه بر نفوذ ، غنا ،صلابت و زیبایی آن لطمه‌ای وارد آید؟

بنابرین همانطوریکه بکار گرفتن سمبول های معین و ضروری برعمق وسنگینی شعر خواهد افزود ، یاوه سرایی وچیدن کلماتی عجیب و بی ربط در کنارهم را اصلاً نمیتوان شعر پنداشت که بعد به فکر تحلیل و درك آن بود ۰ اراجیفی که بعنوان هنر و شعر " حجمی " ، " مدرن " ، " موج نو" و غیره (که اخوان آنها را ساده و بدرستی " کثافتکاریها " نامیده) <۲۲> عرضه میشوند، پریشان نامه هایی اند که به مجرد پریدن از دست گویندگان علیل و غیر مسئول آنها ، با رگبار بی امان هنر و "شعری که زندگیست" سوراخ سوراخ شده و در کوتاه زمانی باد و باران هم لکه‌اشرا از روی زمین میزداید۰ کدام " شعر" هایی ازینگونه توانسته مدتی قابل اعتناعمر کنند؟

> **بنابرین همانطوریکه بکار گرفتن سمبول های معین و ضروری برعمق وسنگینی شعر خواهد افزود، یاوه سرایی و چیدن کلماتی عجیب و بی ربط در کنارهم را اصلا نمیتوان شعر پنداشت که بعد به فکر تحلیل و درك آن بود۰**

چنانچه گفتیم شاعر بر مقتضای سیطره اختناق و جو خونین تفتیش عقاید میتواند و ناگزیر باید به استعاره و سمبول پناه برد که نتیجه بهرحال رسیدن شعر بدست مردم یعنی موفقیت در انجام وظیفه اش میشود۰ اما اگراینکار سوای آن ضرورت وتنها به قصد "مغلق ساختن " ، " سرودن برای اعصار بعدی " ، و " فیلسوف " نمایی و تشخص یابی هایی منفور ازین قبیل باشد آنگاه دیگر براستی معنی شعر در"بطن " شاعر گیر کرده و در همان مقام ترشیده و باد شده و فنا میبابد ۰

در ایران بدون تردید نمیتوان

←

جز سربسته سخن گفت ۰ اما در خارج ایران در اروپا و امریکا بعنوان پناهنده چه ؟ درآنجادیگر کدام ضرورت،



شاندور پتوفی (۱۸۲۳ ـ ۱۸۸۲)

"بدون تردید ، شعر واقعی شعر مردمی است ۰ بگذار حتی المقدور بکوشیم آنرا مسلط سازیم ! اگر مردم بر شعر غلبه داشتند، غلبه آنان بر سیاست هم دور نخواهد بود ، و اینست وظیفه قرن ۰ انجام این وظیفه هدف هر فرد نجیبی است که از دیدن زندگی یکی دو هزار انسان غرق در عیش و هرزگی به بهای ملیونها شهید ، بجان آمده است ۰ زنده باد مردم ، مرگ بر اشرافیت !"

مشکل و ملاحظه ایست که نگذارد و نباید شمشیر جوهر دار شعر راهمانطور که هست بدون پوشاندنش حتی در نیام، بیرحم و با نیروی تمام برفرق دشمن فرود آورد ؟

خواهر، ما به یقین خیلی اندك و ناقص میدانیم اما خودت حتماً به حد کافی آگاهی که مثلاً م۰آزرم و اسماعیل خویی که هردو در خارج بسر میبرند ، اشعار زیادی به سبك کلاسیك سروده اند تا پیام شان توده گیرتر شود ۰ شعور و احساس و سواد و ظرفیتش که وجود داشت دیگر شعر خوب ، قدیم و نو ندارد و در هر قالبی که قرار گیرد خوندار و برانگیزنده خواهد بود <۲۳> لیکن با بیمایگی با افاده های "دادایی گری" و"پوچ گرایی"هاهیچ کاری نمیتوان از پیش برد۰ نمیتوان با چشمبندی ، مردم را ازدیدن ماهیت زرد و ارتجاعی پدیده باز داشت ۰

بالاخره، این گفتار مهدی اخوان ثالث بسیار قابل تأمل است:

"ده سال میگذرد و شما هیچ اثر تازه‌ای را که دارای ارزشی باشد در شعر و ادب و هنر نمی بینید۰ چون که مردان و زنان حقیقی هرگز کسانی نیستند که بتوانند فساد راتحمل کنند، فساد بزرگترین دشمن هنر است ۰ به محض اینکه هنرمندی به فساد تن داد ، راه داد ، امکان ظهوری در کار خود داد، باید در انتظار ضایع شدن کار خود هم بماند ۰ چرا که دیگر آن هنر از جان و جمال معنوی خالی میشود۰" <۲۴>

←



هر شعر بوتف پارچه‌ای از قلبش بود و تبری بر فرق ستمکاران روزگارش.

"من دستهایم را با گرزهایی ، پوستم رابا طبلی و سرم را با بمبی عجین خواهم کرد وآنگاه به جنگ دشمنان خواهم شتافت."

منظور اخوان فقید از فساد چیست؟ گردن نهادن ، منفعل ماندن یابطور بایسته مبارزه نکردن علیه رژیمی قرون وسطایی و تبهکار که دهسال است بر مردم ایران سنگینی میکند ؟

باری ، زهرا جان بگذار سخن را با کلامی از ولتر پایان بخشیم:

" آنچه را تو میگویی تائید نمیکنم، اما تا پای مرگ از حقت برای گفتن آن دفاع میکنم ."

میلاد

زهرا طاهری

- چاپ اول مهر ماه ۱۳۶۹
- ناشر: گروه بررسی مسائل ایران، دانشگاه برکلی، کالیفرنیا

توضیحات

۱) رجوع شود به اشعار مندرج در"شهادت" ، "پیام زن مسلمان" بخصوص شماره ۱۶ میزان ۱۳۶۸ ، "میثاق خون" ، "شفق" و سایر نشریات احزاب پشاوری و ایرانی .

۲) رجوع شود به "دریچه نور" و دیگر اشعار مجله "نوبهار" شماره اول ۱۳۷۰ منتشره از آلمان . چون این نشریه علاوه بر آنکه سنگر" قتقتکی" نمایشات و ارتجای "ادبی" برخی عناصر بدنام بشمار میرود و توأم با سایر سخافتهای نوع جراید "تنظیمی" ، حاوی تازه ترین نمونه های فساد و ابتذال و"ماتیکی" شدن شعر میباشد، بیشتر به آن اشاره خواهد شد .

سطرهایی از" دریچه نور" از ف . ف:

تو از ستاره و صبح و سپیده می آیی / تو یك دریچه نوری بسوی ظلمت من / صدای پای



تو تا عرش عشق می پیچد/ تو روح موج خروشان قلب دریایی / زتو ستاره و خورشید و ماه میریزد/ کدام خاطره و عطر یاد های کهن / شراب ناب نگاه ترا نشان دارد ؟ / تو ای مجسمه مرمرین معبد عشق/ نگاه کن که بپای سپید پیکر تو/ دل شکسته ز پرواز / رازی داری راز / بگیر و این دل بشکسته را/ دوباره بساز.

۳) مثلا شعر یا هر کار ادبی و هنری دیگر داود فارانی و همسلکانش برای مردم ما پوشالی و بی بها بوده و به آن همانند آثار سلیمان لایق ، بارق شفیعی یا جاسوسان کوچکتر برخورد میکنند زیرا او نظیر هرفرد بی مسلک دیگری بعلت همواره تقدیم ارزان گلو و قلمش به رژیمهای ترهکی ،امین وببرك و حکومتهای قبلی (که اخیرا هم در جامه ملا امام"نماز صلح" درآمده) هویت مردودی برای خودش در جامعه کمایی کرده است .

۴) جملهای از مفتون امینی در باره صمد بهرنگی . اگر عین کلمات نقل نشده باشد بهمین وسیله از ایشان پوزش میطلبیم.

۵) از گفت و شنود مهدی اخوان ثالث (م.امید) با ناصر حریری ، "ادبیات وهنر امروز" ، بابلسر، ۱۳۶۸

۶) اشاره است به مصاحبه برنامه فارسی رادیو بی بی سی با داکتر عبدالحکیم حبیبی، حمل ۱۳۶۵

۷) خلیلی با حسرت و سوز ناشی از دوران از دست رفته اش ــ علی الرغم آنکه تنزل بوسه زدن بر رکاب " امیر"ی بنیادگرا راپذیرفته ــ طبیعتاً باید مینالید که:

کوئید به نوروز که امسال نیاید   در کشور خونین کفنان راه نکشاید
بلبل به چمن نغمه شادی نسراید   ماتمزدگان را لب پر خنده نشاید

خون می چکد از خاك شهیدان وطن وای

اما شاعری که در معرکه است و درد سیاهکاری وطنفروشان و بنیادگرایان (منجمله حزب آقای خلیلی) هر دو رابا تمام وجودش حس میکند، نمیتواند با او موافق باشد و بناً در مقابل میسراید :

کوئید زمستان که نوروز بیاید   وین ابرسیه راه شفق باز نماید
تا مشعل ما صبح رهایی بکشاید   نوروز رسد آخر هر دود و سیاهی

ای مرد وطن اینهمه بیزار چرایی؟

بندی از شعر" نوروز آزادگان"

۸) "بی تو" از بهار سعیدی افغانی و"رنگین کمان" از داود . ف در"نوبهار". این مجله با آوردن و تبلیغ یکچنین متاعهایی وقیحانه ادعای حفظ و دفاع ازفرهنگ ! ما را دارد. آیا میتوان با پیکارشکنی و پشت کردن به "جبهه شمشیر" چیزی بیش از دون کیشوتهای "جبهه قلم" و "اردویی فرهنگی"

←

بشمـار رفت ؟ آیا "قتقتك" دادن ملتی عزادار را جـز رذالتی بیشرمانه چه میتوان نامید ؟
بیت هایی از " بی تو " :

بی تو یکشب دختـر رویا شـدم	چون خیال شـاعران زیبا شـدم
زانچه پیـدا بد زچاك پیرهـن	عشـق انگیز و هـوس افزا شدم
بالیان بوسه خیز وبوسه خواه	آفـت دلهـا ز سر تا پا شـدم
تو نبودی تابگـویی: "نازنین	تشنـه بیتاب آن لبهـا شـدم"
تو نبـودی کز شـراب بوسه ام	گوئیم: "دیـوانه ورسوا شـدم"
هست اگر،جزرنج زیبائیم نیست	بـا امیـدت بیـم تنهائیم نیست

چند سطر از " رنگین کمان " :

فریب است اینکه میبینی / یکـی از سبز آویـزان / دگر سرخی زده بر چهره زرد سیهکاران / درین دنیای رنگارنگ / درین ارژنگ بیا تا از بجای دار سرخ و سبز/ طاق نصـرت رنگین کمانها را بیافرازیم/ نماز صلح بگذاریم /" و طرح نو دراندازیم"

۹) "همای انقلاب" م۰فکرت (از افغانستان) تایپ شده۰"دریا درغدیر" از ثابت محمودی سهیل ، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ایران ۰

اتفاقا این دو کتاب دم دست ما بود ورنه میدانیم که از اینگونه خس و خاشاك وطنی و ایرانی کم نیست ۰

۱۰) "۰۰۰ این شعر و شعر دوم حامل مستقیم پشیمانی و رنج روحی مـن بود از اشتباه کودکانه چاپ مشتی اشعار سست و قطعات رومانتیك بی ارزش در کتابی با عنوان "آهنگ های فراموش شده" که تصور میکـردم بار شرمساریش تاآخر بردوشم سنگینی خواهد کـرد ۰ این شرمسـاری ۰۰۰ پیش از آنکه زاده بی ارزشی فـرم قطعات آن کتاب باشد زاده تغییرات فکری و مسلکی من بود ۰ دیر، اما ناگهان بیـدار شده بودم۰تعهد را تا مغز استخوانهـایم حس میکردم۰"

احمد شاملو ،

از توضیحـی برای "تا شکوفه سرخ یك پیراهن"

۱۱) به نقل از ناصـر حریری در گفتگویی با سیمین دانشور ، "ادبیات و هنر امروز"بابلسر،۱۳۶۶ ۰

۱۲) اشاره به شعر زیبا و گویای "در این بن بست" از احمد شاملو :

دهانت را می بویند
مبادا که گفته باشی دوستت میدارم
دلت را میبویند
روزگار غریبی ست ، نازنین
و عشق را

کنار تیرک راهبند
تازیانه میزنند
عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد
....
آنک ، قصابانند
بر گذرگاه ها مستقر
باکنده و ساطوری خونالود
روزگار غریبی ست . نازنین
و تبسم را بر لب ها جراحی میکنند
و ترانه را بر دهان
....

۱۳) تعبیری در شعر" همبستگی " ، پیام زن . اسد ۱۳۷۰

۱۴) تعبیرهایی در شعر" همبستگی " . پیام زن . اسد ۱۳۷۰ .

۱۵) از "شعری که زندگیست" از شاملو .

۱۶)بندی از "شعری که زندگیست"

۱۷) تعبیر هایی در"قصیده برای انسان ماه بهمن "از شاملو.

۱۸) گزیده اشعار لوسیون . انتشارات زبانهای خارجی .بیجنگ . ۱۹۸۲

۱۹) هریستوبوتف (۱۸۴۸ ــ ۱۸۷۶) شاعربزرگ انقلابی بلغارید که بخاطر رهایی میهنش از زیر یوغ امپراتوری عثمانی جان باخت . همۀ اشعار او آکنده از عشقی بیتابانه و پرشور به آزادیست .

۲۰) و ۲۱) رجوع شود به "شعری که زندگیست"

۲۲) اخوان ثالث همانجا .

۲۳) رجوع شود به چند قصیده کوبنده و دلپذیر در مجموعه "در بانهگام" از اسماعیل خــویی .

۲۴) اخوان ثالث همانجا.



کشمیر در آتش ...

اند.

اینان بر اطفال نیز رحم نمیکنند، کماندو های سنگدل موسوم به پشك سیاه (Black Cat) حتی از شکستن دست و پای کودکان صرفه نکرده اند . بالغ بر (۲۰۰۰) طفل بهمین دلیل در بخش استخوان شفاخانه ها داخل بستر شده اند . در هندواره نظامیان بیرحم مکتبی راآتش زدند و (۲۰۰) کودك را به خاکستر مبدل کردند.

درپایان همین گزارش آمده که: کشمیر را میسوزانند و مردم آنرا میکشند و این خطه‌ی چون بهشت را به دوزخ مبدل میکنند. ولی عزم کشمیریان هرگز سست نگشته بلکه قویتر شده و مبارزه آنان برای حق خود ارادیت تا آخر ادامه خواهد یافت.

ترجمه و تخلیص از روزنامه جنگ
(۱۶ دسامبر ۱۹۹۱)

آدرس مکاتباتی :

RAWA
P.O. Box 374
Quetta
Pakistan

گلبدین د مولوی جمیل الرحمن په وژلو کی لاس لری

د فرنتیر پسټ ورځپانه د نوامبر په دیرشمه گنه کی لیکی په هغه کنفرانس کی چه د مولوی جمیل الرحمن د یادونی او د هغه د خدماتو د قدرمنی په خاطر جوړ شوی وو ویاندو وویل چه دجمیل الرحمن ، علامه احسان الهی ظهیر او متقاعد جنرال فضل حق په وژلو کی دولت مسئول دی ځکه چه دمجرمینو په نیولو کی بی لنډتیا کړیده.

ورځپانه زیاتوی :

دکنفرانس ویاندو همداشان گلبدین ته اخطار ورکړ چه باید دخپلو تیرغمیونه لاس واخلی ځکه هغوی په آینده کی نور ددی زغمنه نلری . هغوی حکمتیار نه وغوښتل چه ژرترژره ناوه پاس خالی کړی او زیاتی خرابکاری نه لاس واخلی .

په یوی بلی اعلامیه کی چه په هغه مجلس کی خپره شوه گلبدین دجمیل الرحمن د وژلو مسئول پیژندل شوی دی . اعلامیه زیاتوی چه حکمتیار اسلامی حکومت په کنړ کی له منځه یوړ او هغه د کنړ دولایت دټولو وژنو مسئول دی . نوموړی مجلس همداشان د مولوی جمیل الرحمن د وژل کیدو په خاطر د پاکستان دولت په چپتیا رټلا واچوله . او وبی ویل چه دولت دمجرمینو د بندی کولو په خاطرهیڅ کارندی کړی.

"الحاق کشمیر به ..."

اهداف بلند و والا ملت ها را وادار به قربانی دادن میسازد. بنابرین این ادعا که قیام کشمیر صرفاً بخاطر الحاق به پاکستان است، به تمسخر گرفتن خون شهیدان زنان و مردان کشمیر میباشد و ما هرگز اجازه نخواهیم داد که خون شهیدان وطن فدای خواست دیگران گردد. دوستان ما در همین حدود وظیفه دارند که به ما کمك کنند و مشورت دهند، ولی هرگز حق ندارند کشمیر را تحت فرمان و سلطه خویش نگه دارند. ما آرزومندیم که وطن ما کاملاً آزاد باشد و اراده ملت بدست خودش باشد نه بدست غاصبان یادیگران.

نکته دیگر قابل یادآوری اینست که در جنبش کشمیر زنان ما نه تنها در ساحه سیاست با برادران خود همدوش اند بلکه در میدان نبرد نیز تفنگ به شانه مشغول جنگ و مبارزه اند که ازآنجمله میتوانیم از سازمان آزدیخواه "دختران کشمیر" برهبری آسیه اندرابی و شبنم نام ببریم. علاوه بر اینها صدها زن دیگر نیز سرگرم مبارزه و پیکار هستند که اگر از آنان نام بگیریم لست طویلی خواهد شد.

واضح است که همبستگی و تفاهم بین نیروهای خواهان دموکراسی و آزادی امر مبرم و اساسی میباشد و ما خواستار تامین حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان هستیم و معتقدیم که در مقابل گروه های شیطان صفتی که بر اساس مرد بودن و زن بودن، آزادی زنان راسلب مینمایند باید به مبارزه برخاست.

ماخوشحالیم که در قیام کشمیر بین گروههای دمکرات و گروههای بنیادگرا کدام مخالفت عمده‌ای وجود ندارد <*> و زنان کشمیری نیز ازین لحاظ دچار مشکلی نیستند."

شهناز نازش درباره این سوال که اگر جنبش کشمیر با همین روند فعلی و برخورد سایر کشور ها که گرم و توأم با حمایت صادقانه نیست، ادامه یابد به پیروزی خواهد رسید؟ و چه نوع دولتی راخواهانید، گفت:

"کشمیری ها مبارزه شانرا برای بدست آوردن آزادی خود شروع کرده اند، نه در ابتدا کسی از آنان حمایت فوق العاده‌ای

←

<*> با اینحال آخرین گزارشها حاکی از مخالفت های خونین بین "جبهه آزادیبخش جمو کشمیر" و حزب المجاهدین (که از طرف جماعت اسلامی پاکستان حمایت میشود و خواستار الحاق کشمیر به پاکستان میباشد) است. ج اج ك در مصاحبه‌ای مطبوعاتی (۱۱ دسامبر ۱۹۹۱) فاش ساخت که حزب المجاهدین تا کنون علاوه بر ترور بیش از ۲۰ نفر از افراد آن جبهه بیش از ۱۲ تن از اعضای مجلس قانونگذاری را که مخالف فعالیتهای حزب مذکور بودند بقتل رسانیده است. رهبر ج اج ك احطار کرد که اگرحزب المجاهدین به اینگونه عملیاتش ادامه دهد، با عمل بالمثل مواجه خواهد شد.

کرد و نه اکنون بیگانه‌ای دوشادوش آنها میجنگد • مردم کشمیر در مقابل قشون مجهز به نیروی اتمی هند مصروف بازی "هولی"(*) خون میباشند•

ما در مبارزه خویش انشاالله کامیاب میشویم و بهر قیمتی که شده آنرا ادامه میدهیم •

ماطالب آزادی کشمیریم، طالب رویکار آمدن دولتی بر اساس خواست تمام ملت ، دولتی دمکراتیك پارلمانی ، زیرا معتقدیم که بدون اشتراك مردم هیچ دولتی قادر به پیشرفت و ترقی نیست • ما میخواهیم که تمام مردم ما از حقوق یکسان برخوردار گردند و هر گونه تبعیض نژادی ، جنسی ، گروهی ، لسانی ، قبیلوی و ... ملغی گردد•

ما تقسیم کشمیر به هند و پاکستان را به هیچ قیمتی تحمل نمیتوانیم، مانمیخواهیم که تاریخ غلامی و استثمار دوباره تکرار گردد ، آزادی حق مردم ما و از حقوق مسلم هر انسان است ، هر ملتی حق دارد که در جهان آزاد، با عزت و با وقار زندگی کند ، ملت ما با تمام ملل در بند و تحت ستم دنیا پرچم مبارزه و آزادی را بلندتر نگهداشته و از همه آزادیخواهان میخواهیم تا هند را وادار به پذیرفتن حقوق حقه بشری در کشمیر سازند•"

☆ ☆ ☆



زنان کشمیر در پیشاپیش مبارزه آزادیخواهانه مردم شان بیش از همه بار عذاب و آزار را میکشند •

(*) "هولی" یکی از جشن های مذهبی مردم هند میباشد که در آن پودر های رنگه ــ از جمله رنگ سرخ ــ رابسر و صورت همدیگر پاشیده و به رقص و پایکوبی میپردازند•

اسرائیلی جاسوسان ...

ددی ورځپاڼې په قول ، دغه ټول کارونه د افغانستان د مجاهدینو په نوم او هغوی ته د مرستی رسولو په پلمه سرته رسیده .

"لاورنس لف شولتز" ددی مقالی لیکونکی زیاتوی : د پاکستان فوځی اطلاعاتی سازمان چی "انتر سرویس انټلجنس" نومیږی ددغو د کمایی نه یو عملیاتو سره یی مرسته کوله او دامریکایی جنگی وسایلو له اخستلو او پلورلونه یی یوازی په کال ۱۹۸۵ کی ۳۰۰ ملیون ډالره لاس ته راوړی وو.

په دی مقاله کی د"بن مناشه" نه نقل کیږی چی د امریکی دولت مخ کی له دی نه چی وسلی اسلامی جمهوری ته وسپاری د هغی بیه یی تر لاسه کوله. مګر هغه وسلی چی دافغان مجاهدینو په پلمه پاکستان ته لیږل کیدی په یوه بله پیچیلی معاملی کی د دوهم ځل لپاره د ایران په دولت خرڅول کیدی .

اسرائیلی مامور په ډاګه کوی : "هغه څه چی امریکائیانو غوښتل دا وو چی وسلی پیښور ته ورسیږی او نورئی پدی کار نه درلود چی ددی وسلی سر له کوم ځای نه راوځی ." ...

" فرایډی ټایمز" لیکی چی د"آی اس آی" (انتر سرویس انټلجنس) دوه تنه ماموران د بن مناشه اطلاعات او نوری څرګندونی تائید وی او دهغو څخه یوتن چی نوم یی هم اخستل شوی وایی چی دی پخپله د امریکایی وسلی د لاریو باروهنه لیدلی چی ایران ته تللی .

ددی اطلاعاتو په مطابق ، سربیره پر پورتنی معاملو ، اسرائیلیانو د پاکستان له لاری د ۶۰۰ ملیونو ډالرو په بیه وسله راسا اسلامی جمهوری ته استولی .

د بن مناشه د وینا او د پاکستانی مامورینو د تائید سره سم ، په پیښور کی میشته اسرائیلی ډله، زیات شمیر بنسټپاله افغان مجاهدینو ته چی ګلبدین حکمتیار اسلامی حزب پوری تړلی وو د امریکایی وسلی په تیره بیاد" استنګر" هوایی ضد توغندی د ښی استفادی کولو د طریقی روزنه ورکوله او حکمتیار ډیر ښه پوهیده چی څه ډول کسانو سره مخامخ دی .

د یادونی وړ ده چی د ۱۱۰۰ مشهورو "استینګر" توغندی چی امریکائیانو افغان مجاینو ته د شوروی د هلیکوپټرو سره د مبارزی په خاطر لیږلی وو، په سلګونو دغه توغندی د مجاهدینو او پاکستانی فوځ له خوا په اسلامی جمهوری باندی وپلورل شو....

دامریکی ګنګری ددی "کشف" نه وروسته یوه لویه لانجه هلته په لاره واچوله، خپل پلټنی دیو ګزارش د لاس ته راوړلو په خاطر پیل کړ، نتیجه یی په ډاګه شوه چی افغان مجاهدینو ته د امریکی له خوا د یو ملیارد ډالرو نه زیاته فوځی مرستی دجملی څخه نږدی ۴۰۰ ملیون ډالر عملا مجاهدینوته رسیدلی او نوریی هر چاپه خپله ګیډه وهلی.

په همدی ډول ، د سی آی ای په توصیه او سفارش د " ډیرو مهمو ملی امنیتی

←

مسایلو" په خاطر ددی پلټنو مخنیوی وشوه ځکه چی کنگره بیا په دی ټکی پوهیده چی څنگه هغه وسله چی بیه بی یو وار د اسلامی جمهوری نه اخستل شوی او یو ځل بیاد امریکی له خوانه دهغه تضمین شوی ، ددریم ځل لپاره هغه په اسلامی جمهوری باندی پلورل کیږی ۰

"فرایډی ټایمز" په پای کی لیکی: چی د سی آی ای او اسرائیل دغه ټول دوه گونی فعالیتونه د ضیاًالحق او" ویلیام کیسی " د سی آی ای رئیس له خوا چی د ضیاًالحق دوست او ورسره یی نږدی اړیکی درلودی رهبری کید ه ۰

مگر نوری خبری منابع زیاتوی چی په دی حیرانوونکی او دکمایی نه ډکی معاملی کی د اسلامی جمهوری ډیر لوړ رتبه مقامات خصوصاً د آیت اله خمینی اطرافیان او سپاه پاسداران لاس درلود ۰

"اری بن مناشد" چی همدا اوس په استرالیا کی اوسیږی داخیال لری چی خپل خاطرات ډیر ژر خپاره کړی ۰ اطلاعاتی او مطبوعاتی منابع انتظار لری چی د هغه کتاب به نوی لانجی رامنځ ته کړی او د اسلامی جمهوری د رسواییو، تړونونو او دیټی راکړی در کړی هغه پرده راپورته کړی کومه چی دآیت اله خمینی مطلقه حکومت د امریکی او اسرائیل جاسوسی دستگاهکانو سره لری ۰



څولند خبرونه



ــ په دی وروستیو کی د فرانسی او امریکی اختلافات لاپسی ژور شوی دی ۰ځکه پاریس داسی گنی چی امریکه پههڅه‌کی ده چی پر دنیا باندی حکمرانی وکړی ۰

نو ځکه په پاریس هاند روان دی ترڅو اروپا د امریکی د هژمونی په مقابل کی یو موټی کړی ۰



ــ د شوروی ناکامی کودتانه وروسته یلتسین او دهغه ملگرو د هغو ټو ځایونو نه چی ۱۵ متره دننه په ځمکه کی پراته وو ضد کمونیستی شورش بی د ډیرو پر مخ تللو مخابراتی وسایلو په ذریعه رهبری کاوه۰ او دا یو پټ راز دی چی یلتسین دا وسایل چی په شوروی کی نه موندل کیږی،لکومه بی تر لاسه کړی وو ۰



ــ اردن په نظر کی لری چی داقتصادی ستونځو له وجهی چی دخلیج جگړی له امله ورپه برخه شوی ۳۰۰،۰۰۰ فلسطینیان چی دهغه هیواد پاسپورټ لرونکی دی د اردن نه وشړی او دهغی په بدل کی ۴۵ بلیون ډالره دکویټ نه تر لاسه کړی ۰ دا فلسطینیان اوس په اردن کی میشته دی له همدی وجهی نه ډیر په تیلو مړو هیوادونو پر اردن باندی خپلی مرستی بندی کړی دی ۰



خاطرات سفرم ...

انسان پست و بی ناموسی است که با یکی از ایرانی ها بنام آقای سلطانی مسئول "شورای هماهنگی امور افغانها" رابطه دارد این دو انسان وحشی جنایات بیشماری را مرتکب شده اند که بطور نمونه یکی از آنان رابرایتان قصه میکنم:

در یکی از روزها آقای راسخ و آقای سلطانی مسافرتی داشتند و در جریان آن با یك دختر افغان بر میخورند . سلطانی که از سیمایش معلوم میشد آدم بسیار عیاش و بی شرافتی است با لحنی که خاصه افراد شهوانی‌است در مورد دختر افغان به راسخ میگوید: " بسیار زیبا و خوبست". راسخ در جواب میگوید: "حاج آغا غم مخور درست میکنیم". آقای راسخ به شکلی از اشکال خانه دختر را میبابد و از او تقاضا میکند که باید همرایشان برود . دختر از خود عکس العمل شدید نشان میدهد درین روز راسخ با یك تهدید اکتفا کرده و میرود. چند روز بعد به دختر دسیسه ای میسازند و او را دستگیر و به یکی از زندانهای "شورا" میبرند . در زندان "شورا" سوال و جواب ساختگی و مختصر صورت گرفته آقای راسخ او را به عنوان اینکه آزاد میسازد به خانه خود میبرد . بعد آقای سلطانی را میخواهد و میگوید : " همان شی ای را که پسندیده بودی گیر آوردم . هرچه زودتر خود را برسان ". سلطانی به خانه میآید و این دو غول وحشی میخواهند به دختر تجاوز کنند اما او باتن ضعیف از خود دفاع میکند مگر هیچ فایده‌ای ندارد چون دست و پای و دهان دختر را سخت میبندند و هر کاری دلشان بود انجام میدهند و دختر در چنگال دو حیوان پست و بی وجدان هیچ مقاومتی کرده نمیتواند . جانیان به این اکتفا نکرده و در فکر میشوند که اگر دختر را رها سازند حتماً او به دیگران قصه خواهد کرد و رسوا میشویم ، تصمیم میگیرند که او را بکشند بداینصورت دخترك بی گناه و مظلوم را خفه ساخته میکشند و جسدش را بین گودال های دوردست شهر می اندازند . بعد از سپری شدن چند روز جسد پیدا میشود و همگی میدانند که وی قربانی هوس دو آدم جانی شده ولی تا امروز کسی نیست که از آنان بازخواست کند . اینان برای تحریف قضیه دوسیه جعلی ای را در دفتر ثبت مینمایند . رژیم فاسد و خونریز جمهوری اسلامی ایران نیز با چشم پوشی از حقایق بعوض آنکه این دو جنایتکار را محاکمه کند تحت حمایت خود میگیرد.

و این هم شرح واقعه دیگری :

یکی از افغانها در خراسگون اصفهان با یك ایرانی مدت سه سال کار کرد. درین مدت پول خود را نگرفت تا نزد همین کارفرما ذخیره باشد. وقتی کارگر افغان از کارفرما پول دسترنج سه ساله خود را میخواهد او با بی شرافتی تمام از پول منکر میشود و میگوید تو اصلاً بامن کار نکرده ای و پولی هم نداری ، برو هر جا

←

کنفرانس " صلح " شرق میانه





کارتون‌ها از دی فرنتیر پست

گزارشی از مکتب . . .

ساخته شد . اما درمقابل میبینیم این "امیران" تنظیم ها با آنکه از کمکهای سرشار بین المللی برخوردارند، اصلا این مسایل برایشان بی ارزش و مردود است . مخصوصا بنیادگرایان نسبت به تحصیل زنان تعصب و حشیانه و بی جلوی دارند . اگر اینجا و آنجا مکاتبی را فعال ساخته اند همه نمایشی و برای حلال ساختن پولهای امدادی است آنهم با محتوای تهوع آور و ارتجاعی.

درین شکی نیست که جنگ و آوارگی مشکلات فراونی در تمام زمینه هامنجمله بر فرهنگ و آموزش کشور دارد ولی با این امکاناتی که بدست "امیران" است میتوان کار موثری انجام داد. بطور مثال آیا با مصارف سرسام آور نظامی در زد و خورد های داخلی بطور نمونه آخرین آن در کنر بین وهابی ها و حزبی ها نمیشد چندین مکتب را فعال ساخت ؟ آیا نمیشود با بخش ولو کوچك پولی که در شبکه های تروریستی و آدمکشی گلبدین بمصرف میرسد چندین مکتب ساخت؟ به این مخصوصا توجه شود که وظیفه این شبکه تروریستی هیچ چیزی جزترور افراد روشنفکر و تحصیلکرده نیست که با این عمل خائنانه ضربه جبران ناپذیری بد فرهنگ و آموزش کشور ما وارد میسازد.آیا با مصرف پول یك روز مسافرت "امیر" صاحبی به خارج نمیشود مکتبی را فعال ساخت ؟ آیا مبالغ هنگفتی که "امیران" به آن دارایی های منقول و غیر منقول خریده اند و یا در بانکهای خارج ذخیره نموده اند نمیشود مسئله آموزش را در تمام کشور بشکل دلخواه آن حل کرد؟ ملت ما به این همه سوالات جواب مثبت میدهد .

****

متن اعلامیه "راوا" که بمناسبت سر وصدای تقارن منفی انتشار یافته بود

بسم الله الرحمن الرحیم



نه رژیم پوشالی، نه حکومت بنیادگرایی، افغانستانی آزاد و مبتنی بر ارزش‌های دمکراسی!

اینروزها هیاهوی به‌اصطلاح تقارن منفی درمورد افغانستان بالا گرفته است اما ازنظرما این هیاهوی ایست برای هیچ. این اقدامیست که تا چند سال قبل میتوانست اهمیتی داشته باشد ولی اکنون تقریباً فاقد ارزش است: طی این ۱۲ سال مسکو باتمام نیرویش رژیم دست نشانده را هم با ارسال مواد غذایی وهم مقادیر بیسابقه اسلحه حفظ کرد (هرچند تروریزم بنیادگرایی نیز بمثابه خنجری از پشت در حفظ رژیم نجیب اثر داشته است) واکنون بحد کافی امکانات نظامی داردتامدتی در از آتش جنگ را شعله ور ومردم مارا در اسارت نگهدارد. همچنین امریکا ومتحدین غربیش و پاکستان، عربستان وایران، در عرض ۱۲ سال گذشته کوشیدند تا نیروهای بنیادگرا وبخصوص حزب گلبدین را تادندان مسلح ساخته وآنهارا بعنوان "مهمترین نیروهای مقاومت" بجان مردم ما بیندازند. درین میان حزب تروریست گلبدین به برکت توجه خاص امریکا وپاکستان بیش از آن اندوخته که طی دوسه ماه جنگ به‌پایان برسد. باآنکه حزب گلبدین با استفاده از جبن وسازشکاری احزاب میانه رو، همیشه آنهارا مورد تهدیدهای تحقیرآمیز قرار میدهد، ولی نمیتوان ادعای اخیر آن را مبنی بر داشتن لااقل دوکارخانه اسلحه سازی نادیده گرفت. از طرف دیگر نمیتوان باور داشت که مسکو مستأصل ازسگهای زبونتر از خودش درکابل به زودی دست بشوید وهم حزب گلبدین وهمفکرانش بر فرض اینکه واقعاً ازدریافت کمک های امریکا محروم شوند، اولاً از داشتن رابطه نزدیک با دستگاهها، محافل وعناصر ذینفوذ درسه کشور (پاکستان، ایران وعربستان) برخوردارند که این سه کشور بطور تام وتمام وبه آسانی از حمایت مزدوران بنیادگرایی شان چشم نخواهند پوشید. وابسته بودن بنیادگرایان به‌بیگانگان را حتی پدرخوانده‌های شان نیز هرچند گاهی فاش میسازد. "واشنگتن پست" نوشت: "جنگهای جانبی گاهی موجب بمیان آمدن اتحادیه‌های نامتجانس وست پایه جنگاوران میشود. اتحادیه‌های مذکور با توجه به نقش کشورهای چون عربستان، پاکستان وایران بیشتر شکل پیچیده بخود میگیرندچون هریک از آن کشورها گروههای مورد حمایت خودش را داشته وبخاطر تحکیم نفوذ درمنطقه به آنها پول واسلحه میدهند." ثانیاً بنیادگرایان بادشده از کمک CIA آنقدر دالر وپوند ذخیره دارند که تا مدتی قابل توجهی از بازار بی در وپیکر پاکستان یا حتی بازارهای جهانی اسلحه خریداری کنند.

ازینرو اعلام قطع ارسال اسلحه از طرف روسیه و امریکا به نیروهای وابسته به آنها موجب خوشحالی واقعی مردم مانیست با وصف آنکه با دوازده سال جنگ طعم بدترین مصایب ممکن را چشیده‌اند واشتیاق فراوانی دارند اگر آنطوریکه ادعا میشود خواستهای شان نه درمیدانهای جنگ بلکه روی میز مذاکره بر آورده گردد.

رویای "امارت" افغانستان که بنیادگرایان را کور ووحشی ساخته‌است با سقوط رژیم پوشالی بیشتر از پیش آنان را تا سرحد دیوانگی تحریک خواهد کرد. اینان با توجه به احساس حقارتی دیرین وریشه‌دار، در

رسیدن به قدرت از هیچ غارتگری وجنایتی علیه مردم ما دریغ نخواهند ورزید. چنانچه تاریخ دوازده‌ساله خودشان هم سرشار از عدم تحمل یکدیگر وخونریزیهای بیشمار بین هم میباشد چه رسد به تحمل نیروهای سیاسی دیگر.

پس ضمن دور شدن وطنفروشان از قدرت باید کار خلع سلاح احزاب بنیادگرای پشاوری وایرانی انجام گیرد. درین میان طبعاً اولتر از همه بستن دست حزب گلبدین مطرح است تا هم به اعمال تروریستی آن وهم در خرابکاری آن درهرگونه کوشش برای صلح پایان داده شود. گلبدین فقط از آن جریان مذاکره وبرقراری صلح فوراً استقبال میکند که حاکمیت فاشیستی خودش را تضمین نماید.

اگر احیاناً پس از بیرون شدن روسها ، گلبدین وحزبش برای امریکا دیگر ارزش لته کهنه رایافته درآن صورت راه بی دندان ساختن این حزب ضد دمکراسی وضدزن با آنکه عربستان وایران هردو درپرورش آن نقش اصلی داشته‌اند قبل از همه از اسلام آباد میگذرد. تهدیدهای اخیر ایران بر پایه تبارز تروریزم دولتی آن کشور علیه گلبدین اهمیت زیادی نداردچراکه رژیم ایران وحزب مذکور را فاشیستی ترین نوع بنیادگرایی بهم پیوند میدهد. آنها بمثابه دوروح دریك بدن اند. سرنوشت وعمر تمام احزاب وابسته منوط به تصمیم صاحبان وسرپرستان آنهاست. از آن جمله‌است حزب گلبدین که توسط ضیاء الحق، I S I وجماعت اسلامی ساخته وپرداخته وبعنوان " بزرگترین " نیرو ورهبرش بمثابه " رهبر بزرگ " مقاومت معرفی وجارزده‌شد. اگر پاکستان بخواهد نسبت به مردم افغانستان صادقانه وبی ریا برخورد داشته وآرزوی به قدرت رساندن گلبدین این دردانه نذریش یا نظایر اورا از سردور کند آنگاه کار یك روزه‌است که " امیر " جنایتکار مذکور درهمان شمشتویش به جرم قتل صدها روشنفکر وطنخواه ما وبه جرم سازشهای خیانتکارانه‌اش با وطنفروشان کثیفی چون شهنواز تنی ، گلاب زوی ، اسداله سروری وشرکا محاکمه صحرایی شود. همانطوریکه ازنظر مردم ما هیچگاه عادلانه نخواهدبود که نجیب یا دستیاران نزدیکش بدون نشستن پشت میز محاکمه بتوانند باقی عمر ننگین شانرا با آرامش در مسکو ودهلی سپری نمایند.

با توجه به آنچه گفتیم (وجود نکبت بنیادگرایی درکشورما) آینده مذاکرات جهت حل مسالمت آمیز قضیه افغانستان نیز چندان روشن بنظر نمیاید وبخصوص حاصل اصلی آن که باید عبارت باشداز انجام انتخابات آزاد ، بیطرفانه وعادلانه در میهن جنگ زده‌ی ما ، تحقق نخواهدیافت. اینجاست که بنظر ما ملل متحد میتواند وباید نقشی اساسی ایفا کند. بدون حضور مؤثر عساکر صلح ملل متحد ، انتظار انجام انتخابات آزاد درافغانستان زیر سایه‌ی لاشخواران بنیادگرا خوشخیالی ای پوچ بیش نیست.

مردم ما پس از تحمل اینهمه درد وعذاب جنگ وستمکاریهای بنیادگرایان ورژیم پوشالی ، مشتاق نفس کشیدن درافغانستانی مستقل با دولتی مبتنی بر ارزشهای دمکراسی اند. اکنون شعار ملت استعمار شکن ما جز این نیست : نه رژیم پوشالی ، نه حکومت بنیادگرایی ، افغانستانی آزاد واستوار برارزشهای دمکراسی!

هر دولتی که به‌این خواست مردم ما احترام نگذاشته وتلاش ورزد تا حکومت بنیادگرا از نوع عربستانی، ایرانی یا گلبدینی آن درافغانستان بوجودآید، درواقع به بدترین وجهی به ملت ما توهین رواداشته ، دشمنی آشتی ناپذیر ملت ما را خریده وبدینترتیب بهایی گزاف خواهد پرداخت ، بهایی که کمر مسکو را شکست

جمعیت انقلابی زنان افغانستان

۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱

خلاصه‌ای از اعلامیه " راوا " در رابطه با سروصدای به اصطلاح تقارن
منفی در مورد افغانستان که درچند روزنامه پاکستانی انعکاس یافت .

THE NEWS INTERNATIONAL

The News Saturday, October 5, 1991

RAWA demands free Afghanistan based on democracy

ISLAMABAD: These days there is talk about the negative symmetry, but it is much ado for nothing, a press release of Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA) said Friday.

The negative symmetry could have been of some importance some years back, however, now it is almost worthless: during the past 12 years, by sending foodstuff and an unprecedented quantity of arms, Moscow has protected its lackeys in Kabul. However, the fundamentalist terrorism has also played a role in the survival of the regime. Therefore, the puppet regime has more than enough military possibilities to keep Afghans in chains, the press release contended.The press release said:

"Meanwhile, the US and its Western allies and Pakistan, Saudi Arabia and Iran have tried their best to anti-democracy and anti-women forces with Gulbaddin's party at their head. The press release went on to say that they have made a lot of noise to portray those obscurantists as "most important" forces. Among them, Gulbaddin's terrorist party arms that will not be exhausted in 3 or 4 months war. Although gaining cowardness and inability of moderate parties Gulbaddin has very often stricken humiliatingly into the hearths of them, one cannot ignore his recent claim of possessing at least two arms factory.

"On the other hand it doesn't seem that Moscow would easily abandon its stooges in Kabul. And supposing that Gulbaddin's party and its like-minded are really deprived of getting US assistance, firstly they enjoy close relationship with influential circles and people in Pakistan, Saudi Arabia and Iran the countries which will never feel fed up with their Afghan fundamentalist agents as far as they (the three countries) can use them against our nation. The dependency of our fundamentalists being an open secret, has even been disclosed by their godfathers. Thus, the negative symmetry and that too after 3 months, would not make our people really happy. notwithstanding their burning eagerness to a just peace after 12-years of untold plight and pain.

"The illusion of the Afghan "Emirate" would turn them savage whenever the Kabul regime falls. Considering their old and rooted inferiority complex and hatred, they will commit any kind of looting and crime against our people to seize the power and clinging it.

"Therefore, the fall of the puppet regime must be synchronized with complete disarmament of the Peshawar and Iran based fundamentalist groups." RAWA alleged that it was patronized by late General Zia-ul-Haq, ISI and Jamaat-e-Islami. It was trumpeted as the "most powerful party" and its chieftain as the "greatest mujahid".

THE MUSLIM

Saturday, October 5, 1991

RAWA opposes negative symmetry

STAFF REPORT

ISLAMABAD, Oct 4: Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA) has said the implementation of negative symmetry after three months would have no impact on the Afghan situation or make the Afghan people happy despite their desire for peace.

A spokesperson for the RAWA said the negative symmetry could have made some impact some years ago but now it is almost of no use.

She said during the last 12 years Moscow has protected its lackeys in Kabul by supplying arms to them. She said fundamentalists based in Peshawar and Iran have indirectly helped the Kabul regime survive. She said without the effective presence of the UN forces holding of free elections in Afghanistan under the sinister shadow of the fundamentalists is day-dreaming.

دا لاندې اعلامیه چه د روان کال په اکتوبر کې په کنړونو او د مهاجرینو په

بسم الله الرحمن الرحیم

کمپونو کې خپره شوې وه مونږ ته هم رسیده چه دا دی څینی برخې یې نشرته سپارو

دآزادو کنړونو دمجاهدو قوماندانانو اعلامیه

. . . .

عبوری دولت دیو تعداد قوماندانانو او سیمه ایزو متنفذینو په شمول دکنړونو شورئ منځ ته راوړه چې له یوه اړخه دشورئ دکسانو دټاکلو په هکله غوره سوچ ونشو، دمجاهدو او زړه سوزونکو قوماندانانو په څنگ کې بیکفایته، استفاده لټونکی او پله بین کسان په شورئ کې هم شامل شول چه زمونږ دکنړیانو کټې نی تر خپلو گټو جار کړی. له بله اړخه د «گلبدین اسلامي حزب» له عبوری دولت نه گوښه شوی او ددی شورئ د فعالیتونو په مقابل کې یې تیگی غورخولی او په منافقانه ډول یې په پټه دهغی پر ضد په فعالیت لاس پوری کړی وو چه په دی بهیرکی نی د(جماعة الدعوة الی القرآن والسنة افغانستان) نه هم گټه واخیسته، ځکه چه سلفیانو دحزبیانو ریښتینی څیره په درسته توگه نه وه پیژندلی او دهغو دمکر په دام کی ولویدل نو ځکه دعبوری دولت ددغی شورئ ستوری زمونږ په ولایت کی وروسته له خپل لږ کارنه ډوب شو.گلبدینی حزبیانودتېی له خلقیانو سره تریووالی وروسته دگلبدین تېی په رهبری زمونږ په سیمه کی په داسی جنایتونو لاس پوری کړ چه دخلقیانو، پرچمیانو او روسانو مخ یې سپین کړ هغوئ چه په کنړونو کی دروسی لښکرو پر ضد کارتوس نه وو ویشتلی، دسیمی په آزادیدو سره له سوړو نه را ووتل. له هیڅ جنایت، داخلی جگړو، قتل، ډله ایزو وژنو، ښځو تښتولو، زهرجنو تبلیغاتو، دمینونو له ایښودلو او ترورونه نی ډډه ونکړه.

. . . .

دکنړونو مسلمانو، زړه ورو او میړنو خلکو!

ددیارلس کالو په دوران کی دروسانو او دهغوی دخلقی، پرچمی مزدورانو لښکری هم له دی دوه لارو راتللی چه زمونږ کلی، ښارونه او بانډی یې په توپونو الوزولي، اوس دلغمان او جلال آباد حزبیان هم له هغوی نه په کرغیړن شکل دغه کار سرته رسوی، ولی زمونږ دکنړیانو په یاد نه دی چه دتره کی گوډاگی دولت څرنگه دجلال آباد ملیشی ددیارلس کالو په دوران کی زمونږ دمجاهدو خلکو دټکولو دپاره راولیږلی؟ اوس گلبدین، تېی د تره کی دسیاست په پیروی خپل جنایتکاران له دغو ولایتونو نه زمونږ د ولس دلوټولو او شوکول دپاره راوستی دی. گلبدینیانو دخلقیانو په شان چه په ډله ایزه توگه یې کراله قتل عام کړه په کنړونو کي هم هغسی قتل عام په لاره واچوه. حزبیان دسلفیانو سره په جگړه کی وو خو دکنړونو ټول مسلمان او مجاهد خلك دحزبیانو په واسطه لوټ شول. آیا مونږ کنړیان دا وس نه لرو چه خپلی سیمه ایزی ستونزی خپله حل کړو؟ آیا مونږ ددی یو شان سیاستونو په لرلو سره دا حق نه لرو چه حزبیان له روسانو سره په یو قطار کی وشمیرو ؟ اوس دچغه سرای مرکز دلغمان او جلال آباد دحزبیانو په لاس کی دی او هغوی زمونږ په مجاهد ولس امر کوی. مونږ افغانستان له ټولو مجاهدینو نه دضرورت په وخت کی دخپلو ستونزو دحل لپاره مرسته غواړو، خو حزبیان دنورو ولایتونو نه دکنړ دمسلمانو خلکو دمرستی دپاره نه بلکه دهغوی دلوټولو او توپ ته دتړلو لپاره راغلی دی. دهغوئ مرسته داخلی جگړوته لمن وهل دی.

دکنړونو مجاهدین / قوماندانان او مسلمان خلك دنورو ولایتونو نه راغلو حزبیانو ته اخطار ورکوی چه له هرڅه نه مخکی له کنړ نه ووځی او له دی نه زیات داخلی جگړی ته لمن ونه وهی او مونږ پریږدی چه دخپلی سیمی د آرامی دپاره هلی ځلي وکړو. دنورو تنظیمونو له هغو قوماندانانو او مجاهدینو څخه چه دحزبیانو سره همکاری کوی غوښتنه کوو چه له دغی همکاری څخه هر څه ژر لاس واخلی او دکنړونو دنورو قوماناندانو او مجاهدینو له اکثریت سره یو ځای چه دمتحد کنړ ددوباره آرامی/ آبادی او متحد ساتلو دپاره هلی ځلی کوی مرسته وکړی.

- نسکور دی وی دنجیب گوډاگی رژیم
- نسکور دی وی دکنړ دمسلمانو خلکو قاتلان
- مړه دی وی گلبدینی جنایتکاران
- تل دی وی دکنړ دمجاهدو قوماندانانو یووالی
- ژوندی دی وی دکنړونو مسلمان او میړنی مجاهدین

(ومن الله التوفیق)

قسمت هایی از شعر ارسالی همکار ما
ز۰ح۰ از سویدن

زن افغان

....

زن افغان
اسارت کی پذیرد
اما تو اسیری !!
و اینك وقت آزادیست
شکن با دست هایت
همه زنجیر ها را
زنجیر های کهنه بر دستان پاکت
ورای این همه دیوار ها
خورشید آزادیست



....

توئی پرورده مجبور در خانه
و مرد این "نسل" مکار
غلام پول و "مزدور" خواهش ها
اسیر دیو قدرت
تو را چون چون آله

مانند کالا لباس خود در آورده
دگرگون ساخت باید زندگی را
واژگون کرد بردگی را
کتاب برگیر سواد آموز
تا جایت شود روشن تر از خورشید۰

۰۰۰۰۰۰

امید ها

جمعی ، در آرزوی بستن خورشید با رسن !
جمعی ، خموش و گنگ به دنبالشان دوان !
جمعی دگر ، به پای کهن تن درخت توت ،
ایستا وبی خیال،
بازی تند باد مهیب شمال را ،
با شاخ وبرگ این یل اسطوره زمان ۰۰۰
خنده کنان به تماشا نشسته اند !!

چشمان بی فروغ گروهی زراهیان ،
در انتظار " باد شرطه " مغرب زمینیان ۰۰۰
تا نیمه راه فاصله ها ره کشوده است ۰

آنجا ، کنار چشمه ، دو تن زاده گان درد ،
با دستهای بی تبر وتفنگ خویش ،
تاریخ پرجلال مادر میهن ورق زنان ۰۰۰
در جستجوی راه برون رفت ازاین لجن ،
شبهای بی ستاره وتاریك دره را ،
با آرمان طلعت خورشید نورزا ۰۰۰
به سحرگه سپرده اند ! ۰۰۰

دهلی ـ ۱۹۸۹/۸/۹

ارسالی همکار ما "نستوه" از دهلی جدید

رنج گدایی زرگل،
ننگ ابدی سیاف!

عکس صفحه مقابل که در روزنامه "دی فرنتیرپست" ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ چاپ شده از هموطن ما زرگل باشنده جلال آباد است ۰ او که صاحب ده فرزند است زمانی مبارز مغروری بشمار میرفت که در راه استقلال میهنش از چنگ روسها میجنگید ولی اکنون پس از آنکه پایش را در جنگ از دست داده ، دیگر برای حزب رسول سیاف فاقد ارزش بوده و بناءً بخاطر گذران شب و روز و تداوی پایش درد گدایی در خیابانهای پشاور را میکشد۰ زرگل میگوید: "برادر و پسر کاکایم در جنگ کشته شدند و در تابستان ۱۹۸۹ مین پایم را قطعه قطعه کرد نه قوماندان ما بنام "توفان" در شهرنو پکتیا و نه رهبران گروه سیاف (که خود و خانواده ام عضویت آنراداریم) مصدر هیچ کمکی برایم نشدند۰۰۰ من به صدراعظم دسترسی ندارم اما اعضای دفترش توجهی به وضعم نکردند۰"

روزنامه مذکور میافزاید: "شایان ذکراست که زرگل علیه

←

حیوان خونخوار
و درنده
از امیر ستمکار و
خشن بهتراست

حضرت علی (رض)



رهبری شکایت میکند که زندگی شاد و مرفهی در پشاور داشته و صدراعظم حکومت موقت میباشد که از طرف غرب و عربها وسیعا کمك میشود." قرار گزارش همین روزنامه مورخ ۱۲ نوامبر:

"بیش از ۲۰۰۰ خانواده افغانی کودکان شانرا به گدایی میفرستند وبسیاری از رزمندگان مقاومت پس از زخمی و تهیدست شدن به گدایی در پشاور مشغول اند."

اگر گدایی مجاهد سربلند دیروز، ننگ باشد، داغ این ننگ و بیغیرتی قبل از همه در پیشانی محکوم و خجل به اصطلاح "رهبران" و"صدراعظم" صاحبانی حك است که ببهای خون و فقر و تباهی جسمی و روحی صدها هزار هموطن شریف ما، به سونام و نشان و ثروتهای رویایی دست یافته و آنگاه در حالیکه مغازله‌ی خاینانه شهنواز تنی ها با گلبدین را "تاکتیکی جهادی" گفته تیر میشوند، از بستر گرم و نرم خود برضد هرگونه راه حل سیاسی مسئله کشور ما کف بر دهان میاورند. ولی زرگل ها میدانند که درینگونه "مخالفت" ها علیه راه حل سیاسی، چقدر صداقت و شرافت و وجدان وجود دارد!

زرگل، نگذار پای دیگرت هم در راه منافع "صدراعظم" صاحب قطع شود، آن را بر دهان او و امثالش بکوب!



PAYAM-E-ZAN *(The Message of Woman)*
A Publication of Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA)
No. 25, 26 December, 1991

کمیته فرهنگی وهنری جمعیت انقلابی زنان افغانستان

به کلیه مبارزان ضد رژیم پوشالی و ضد بنیادگرایی
و تمامی دوستداران هنر و فرهنگ میهنی و انقلابی

تقدیم میکند:

برخیز توفان سرودها وترانه‌های میهنی وانقلابی **جمعیت انقلابی زنان افغانستان**	**3** 1991
لیلای میهن سرودها وترانه‌های میهنی وانقلابی **جمعیت انقلابی زنان افغانستان**	**4** 1991
آزادی، دموکراسی سرودها وترانه‌های میهنی وانقلابی **جمعیت انقلابی زنان افغانستان**	**5** 1991
سور سیلاب سرودها وترانه‌های میهنی وانقلابی **جمعیت انقلابی زنان افغانستان**	**6** 1991

هر نوار کاست شامل آهنگ‌های پر شور میهنی و
انقلابی میباشد . پخش هرچه وسیعتر این کاست ها
سهمی است در **پیکار علیه دشمنان آزادی و دموکراسی**
وطن ما در **جبهه‌ی** دیگر .

آنها را میتوانید از کتابفروشی های فروشنده "پیام
زن" و یا مستقیماً از آدرس ما تهیه کنید .

بهای هر کاست ۲۵ روپیه یا معادل آن .

قیمت این شماره ۱۵ روپیه